

نامه پولس به مسیحیان

روم

سلام و درود از پولس

۱ من، پولس، که غلام عیسی مسیح می‌باشم، این نامه را برای شما می‌نویسم. خدا مرا برگزیده و فرستاده است تا مژده انجیل او را به همگان برسانم. ^۲ انجیلی که وعده‌اش را از زمانهای دور توسط انبیای خود در کتاب آسمانی داده بود. ^۳ این مژده درباره فرزند خدا، یعنی خداوند ما عیسی مسیح می‌باشد که همچون انسان از نسل داود نبی به دنیا آمد؛ ^۴ اما با زنده شدنش پس از مرگ، ثابت کرد که فرزند نیرومند خدا و دارای ذات مقدس الهی است. ^۵ بوسیله عیسی مسیح است که خدا فیض و لطف بی‌پایان خود را شامل حال ما گناهکاران نالایق کرده و ما را به سراسر جهان فرستاده تا به همه اقوام اعلام کنیم که او چه لطف عظیمی نموده است، تا ایشان نیز به عیسی مسیح ایمان آورند و از او اطاعت کنند.

^۶ برادران عزیز که در شهر روم هستید و این نامه را می‌خوانید، شما نیز جزو کسانی هستید که مورد مهر و محبت خدا می‌باشند، زیرا شما هم بوسیله عیسی مسیح دعوت شده‌اید تا قوم مقدس خدا و از آن او باشید. پس، از پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای شما می‌باشم.

دعای شکرگزاری برای مسیحیان روم

^۸ پیش از هر چیز، باید بگویم که خبر ایمانتان به تمام دنیا رسیده و همه جا صحبت از شماست. از اینرو، برای این خبر و برای وجود هر یک از شما، خدا را بوسیله عیسی مسیح شکر می‌کنم. ^۹ خدا شاهد است که من پیوسته برای شما دعا می‌کنم، و روز و شب احتیاجاتتان را به حضور او می‌برم، به حضور خدایی که با تمام توانم او را خدمت می‌کنم و مژده انجیل او را که در باره فرزندش عیسی مسیح است، به دیگران

اعلام می‌نمایم.

^{۱۰}دعای دیگرم اینست که اگر خدا بخواهد، پس از این همه انتظار، سعادت دیدار شما نصیبم شود. ^{۱۱}زیرا بسیار مشتاق دیدارتان هستم تا بتوانم شما را از برکات خدا برخوردار سازم، و باعث تقویت ایمانتان شوم. ^{۱۲}از این گذشته، من خود نیز نیاز به کمک شما دارم تا بوسیله ایمانتان تقویت شوم. به این ترتیب، هر یک از ما باعث تقویت ایمان یکدیگر می‌گردیم.

^{۱۳}اما برادران عزیز، مایلیم بدانید که بارها خواسته‌ام نزد شما بیایم، اما هر بار مانعی پیش آمده است. قصد من از آمدن، این بود که خدمتی در میان شما انجام دهم و عده‌ای را بسوی مسیح هدایت کنم، همانطور که در جاهای دیگر نیز کرده‌ام. ^{۱۴}زیرا من خود را مدیون می‌دانم که این خبر خوش را به همه برسانم، چه به اشخاص متمدن و چه به اشخاص بی‌تمدن، چه به تحصیلکرده‌ها و چه به بی‌سوادان. ^{۱۵}پس تا آنجا که در توان دارم، خواهم کوشید که به «روم»، نزد شما بیایم و مژده انجیل را در میان شما اعلام نمایم. ^{۱۶}زیرا من به انجیل عیسی مسیح افتخار می‌کنم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. پیغام انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام می‌شد، اما اکنون همه می‌توانند با ایمان آوردن به آن، به حضور خدا راه یابند. ^{۱۷}این پیغام اینست که خدا فقط در یک صورت از سر تقصیرات ما می‌گذرد و به ما شایستگی آن را می‌دهد که به حضور او برویم؛ و آن وقتی است که به عیسی مسیح ایمان آوریم. بلی، فقط و فقط ایمان لازم است. همانطور که کتاب آسمانی می‌فرماید: «فقط کسی نجات پیدا می‌کند که به خدا ایمان داشته باشد.»

خشم خدا نسبت به گناهان بشر

^{۱۸}اما از سوی دیگر، خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست که از حقیقت گریزانند، نازل می‌کند. ^{۱۹}برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است، زیرا خدا وجدانهایشان را از این حقیقت آگاه ساخته است. ^{۲۰}انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او که نادیدنی هستند پی ببرد. پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می‌ایستد، برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد.

^{۲۱} بلی، درست است که مردم این حقایق را می‌دانند، اما هیچگاه حاضر نیستند به آن اعتراف کنند و خدا را عبادت نمایند و یا حتی برای برکاتی که هر روز عطا می‌کند، او را شکر گویند. در عوض درباره وجود خدا و اراده او، عقاید احمقانه‌ای ابداع می‌کنند. به همین علت ذهن نادانشان، تاریک و مغشوش شده است.^{۲۲} خود را دانا و خردمند می‌پنداشتند، اما همگی، نادان و بی‌خرد شدند.^{۲۳} بجای اینکه خدای بزرگ و ابدی را پرستند، بتهایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان ساختند و آنها را پرستیدند.

^{۲۴} بنابراین، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا هر چه می‌خواهند بکنند و در آتش شهوات گناه‌آلود خود بسوزند و با بدنهای خود مرتکب گناهان شرم‌آور شوند.^{۲۵} ایشان بجای اینکه به حقیقت وجود خدا ایمان بیاورند، عمداً عقاید باطل را پذیرفته‌اند و مخلوق خدا را بجای خالق می‌دانند که تا ابد مورد ستایش است، می‌پرستند و خدمت می‌کنند.

^{۲۶} به همین دلیل است که خدا مردم را به حال خود رها کرده است تا خویشتن را به گناهان زشت آلوده سازند، بطوری که حتی زنها بجای روابط جنسی طبیعی، با زنان دیگر مرتکب اعمال قبیح می‌گردند،^{۲۷} و مردها نیز بجای اینکه با زنان خود روابط طبیعی زناشویی داشته باشند، با مردهای دیگر مرتکب گناهان شرم‌آور می‌شوند. بنابراین، سزای کارهای کثیف خود را در روح و بدن خود می‌بینند.

^{۲۸} پس همانطور که ایشان خدا را ترک کرده‌اند و حتی حاضر نیستند به وجود او اعتراف کنند، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده است تا هر آنچه به ذهن ناپاکشان خطور می‌کند، به عمل آورند.^{۲۹} زندگی آنان پر است از هر نوع شرارت و بدی، طمع و نفرت و حسادت، قتل و جدال، دروغ و کینه و سخن‌چینی.^{۳۰} غیبت از زبانشان دور نمی‌شود. ایشان دشمنان خدا هستند. با غرور و گستاخی، خودستایی می‌کنند. همیشه بدنبال راه‌های تازه می‌گردند تا بیشتر گناه ورزند. هرگز مطیع والدین خود نمی‌شوند.^{۳۱} بی‌احساسند و بدقول و بی‌عاطفه و بی‌رحم.^{۳۲} با اینکه می‌دانند خدا برای چنین اعمالی، مجازات مرگ تعیین کرده است، نه فقط خودشان مرتکب آنها می‌گردند، بلکه دیگران را نیز به انجام این کارها تشویق می‌کنند!

فقط خدا می تواند بر گناهکاران داوری کند

۲ شاید کسی پیش خود فکر کند این مردم چقدر پست هستند که دست به چنین کارهایی می زنند. اما کسی که چنین فکر می کند، خودش نیز بهتر از آنها نیست. هرگاه کسی بگوید که این اشخاص بدکار باید مجازات شوند، در حقیقت خودش را محکوم می کند، چون او نیز همان گناهان را مرتکب می شود. ^۱ اما می دانیم که خدا هرکسی را که مرتکب چنین اعمالی شود، عادلانه و به سختی مجازات خواهد کرد. ^۲ آیا آدمی، آیا تصور می کنی که خدا دیگران را برای این گناهان مجازات خواهد کرد، اما از گناهان تو چشم پوشی خواهد نمود؟ ^۳ اگر خدا تابحال نسبت به تو صبر و تحمل نشان داده است، آیا این را نتیجه ضعف او می دانی؟ آیا متوجه نیستی که خدا در تمام این مدت که تو را مجازات نکرده، در واقع به تو فرصت داده تا از گناهانت دست بکشی؟ بلی، مهربانی خدا برای این بوده است که تو توبه کنی.

^۴ اگر دل خودت را سخت کنی و توبه نکنی برای خود مجازات وحشتناکی فراهم می آوری، زیرا بزودی روز خشم و غضب خدا فرا می رسد روزی که در آن خدا تمام مردم جهان را عادلانه محکوم خواهد کرد، ^۵ و به هرکس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر خواهد داد. ^۶ او زندگی جاوید را به کسانی می بخشد که با صبر و تحمل آنچه راست است به عمل می آورند و خواستار جلال و بزرگی و بقایی هستند که خدا عطا می کند. ^۷ اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت می کنند و به راه های گناه آلود خود می روند، شدت مجازات خواهد کرد. بلی، ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد. ^۸ رنج و عذاب گریبانگیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می ورزند، از یهودی گرفته تا غیریهودی. ^۹ اما جلال و سربلندی و آرامش الهی نصیب همه آنانی خواهد شد که از خدا اطاعت می کنند، چه یهودی و چه غیریهودی، ^{۱۰} زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود.

^{۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵} خدا شخص گناهکار را، هر که باشد، مجازات خواهد کرد. بعنوان مثال، مردم وحشی و از همه جا بی خبر که در جنگلها زندگی می کنند اگر مرتکب گناه شوند، خدا مجازاتشان خواهد کرد، چون ایشان با اینکه هیچگاه کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا را نخوانده اند، اما در عمق وجدانشان، خوب را از بد تشخیص می دهند. پس در حقیقت احکام خدا در وجدانشان نوشته شده است و به

همین دلیل، وقتی کاری نیک انجام می‌دهند، وجدانشان آرام می‌گیرد و هرگاه عمل بدی مرتکب می‌شوند، وجدانشان ایشان را سرزنش می‌کند. از طرف دیگر، اشخاصی که دارای دین و مذهب هستند نیز اگر گناه کنند، خدا مجازاتشان خواهد کرد. چون ایشان با اینکه دارای کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا هستند و آنها را می‌خوانند، اما از آنها اطاعت نمی‌کنند. ایشان راه راست را می‌دانند اما در آن قدم نمی‌زنند. بنابراین، باید گفت که دانستن احکام خدا سبب نجات نمی‌شود، بلکه اجرای آنها.^{۱۶} مسلماً آن روز خواهد آمد که عیسی مسیح به حکم خدا، افکار و انگیزه‌های مخفی همه را مورد داوری قرار دهد. همه اینها، بخشی از نقشه عظیم خداست که من اعلام می‌کنم.

داشتن شریعت کافی نیست، باید مطابق آن زندگی کرد

^{۱۷} و اما شما یهودیان، تصور می‌کنید که چون خدا شریعت و احکام خود را به شما عطا کرده است، بنابراین از شما خشنود است، و می‌بالید به اینکه برگزیدگان خدا هستید.^{۱۸} شما اراده و خواست خدا را می‌دانید و خوب را از بد تشخیص می‌دهید، چون احکام او را از کودکی آموخته‌اید،^{۱۹} شما یقین کامل دارید که راه خدا را بخوبی می‌شناسید؛ به همین جهت خود را راهنمای نابینایان می‌دانید، و خویشتن را چراغهایی می‌پندارید که راه خدا را به آنانی که در تاریکی گمراه شده‌اند، نشان می‌دهند.^{۲۰} شما گمان می‌کنید که راهنمای مردم نادان هستید و می‌توانید امور الهی را حتی به کودکان نیز بیاموزید، زیرا تصور می‌کنید احکام خدا را که پر از معرفت و راستی است، می‌دانید.

^{۲۱} حال، شما که دیگران را تعلیم می‌دهید، چرا خودتان نمی‌آموزید؟ به دیگران می‌گویید که دزدی نکنید؛ آیا خودتان دزدی نمی‌کنید؟^{۲۲} می‌گویید که زنا کردن گناه است؛ آیا خودتان زنا نمی‌کنید؟ می‌گویید که نباید بت پرستی کرد؛ آیا خودتان مادیات را همچون بت نمی‌پرستید؟^{۲۳} شما به داشتن کتاب آسمانی افتخار می‌کنید؛ ولی آیا با زیر پا گذاشتن دستورات آن، به خدا توهین نمی‌کنید؟^{۲۴} همانطور که کتاب آسمانی می‌فرماید: «مردم دنیا بخاطر شما یهودیان، به نام خدا بی‌احترامی می‌کنند!»

^{۲۵} یهودی بودن شما، در صورتی ارزش دارد که از دستورات خدا اطاعت کنید. در غیر اینصورت، از بت پرستان هم بدترید. ^{۲۶} زیرا اگر بت پرستان احکام خدا را اطاعت کنند، آیا خدا تمام امتیازات و افتخاراتی را که قصد داشت به شما یهودیان بدهد، به ایشان نخواهد داد؟ یقیناً خواهد داد. ^{۲۷} در این صورت وضع بت پرستان نامختون که احکام خدا را اطاعت می کنند، در پیشگاه خدا از وضع شما یهودیان خیلی بهتر خواهد بود، زیرا شما با وجود اینکه ختنه شده اید و صاحب کتاب آسمانی هستید، باز احکام خدا را اطاعت نمی کنید.

^{۲۸} فراموش نکنید که هر که پدر و مادرش یهودی باشند و خود نیز ختنه شده باشد، یهودی نیست. ^{۲۹} بلکه یهودی واقعی کسی است که دلش در نظر خدا پاک باشد. زیرا ختنه بدنی، خدا را راضی نمی سازد؛ خدا از کسانی راضی و خشنود می شود که آرزوها و افکارشان ختنه و دگرگون شده باشد. هر که زندگی اش به اینصورت تغییر یافته باشد، اگر هم شما او را تحسین نکنید، خدا او را تحسین خواهد کرد.

خدا امین است

۳ پس برتری یهودیت در چیست؟ آیا خدا امتیاز بخصوصی برای یهودیان قائل است؟ آیا ختنه ارزشی دارد؟ ^۱ بلی، خدا برای یهودیان امتیازات بسیاری قائل شده است.

یکی از مهم ترین این امتیازات، اینست که خدا احکام و کلام خود را به ایشان سپرد، تا آنان خواست و اراده او را بدانند و آن را اجرا کنند. ^۲ اما اگر بعضی از ایشان ایمان خود را از دست دادند و نسبت به خدا پیمان شکنی کردند، آیا خدا نیز عهد و پیمان خود را خواهد شکست؟ ^۳ هرگز! اگر همه مردم دنیا هم دروغ بگویند، خدا هرگز دروغ نمی گوید. در کتاب آسمانی در این باره آمده که هر چه خدا می فرماید، همیشه راست و درست است، و در هر داوری پیروزی با اوست.

^۴ اما بعضی چنین استدلال می کنند: «خوب است که ما بی ایمان بمانیم! گناهان ما نتیجه خوبی دارد! زیرا وقتی مردم ببینند که ما چقدر بد هستیم، بهتر پی خواهند برد که خدا چقدر نیکوست! پس، در اینصورت آیا انصاف است که خدا ما را مجازات کند، درحالی که گناهان ما به جلال او کمک می کند؟» ^۵ به هیچ وجه چنین نیست! زیرا چنین خدایی دیگر شایسته نخواهد بود کسی را داوری کند. ^۶ چون اگر نادرستی من در

مقایسه با راستی خدا باعث بزرگی و جلال او گردد، دیگر او نمی تواند مرا بعنوان یک گناهکار، داوری و محکوم کند.^۸ اگر بخواهید چنین استدلال کنید، به این نتیجه خواهید رسید که «هر چه ما بدتر باشیم، خدا بیشتر خشنود می گردد.» بعضی به من افترا می زنند و می گویند که من این را وعظ می کنم. محکومیت چنین اشخاص قطعی است.

هیچکس نیکوکار نیست

^۹ خوب، چه نتیجه می گیریم؟ آیا ما یهودیان از دیگران بهتریم؟ نه، به هیچ وجه! زیرا قبلاً بیان کردیم که همه بطور یکسان گناهکارند، چه یهودی باشند، چه غیریهودی.^{۱۰} کتاب آسمانی نیز در این باره می فرماید:

هیچکس نیکوکار نیست،

در تمام عالم، یک بی گناه هم یافت نمی شود.

^{۱۱} هیچکس فهم ندارد،

کسی واقعاً طالب خدا نیست.

^{۱۲} همه از او روی برگردانیده اند؛

همه به راه خطا رفته اند؛

حتی یک نفر هم نیست که نیکوکار بوده باشد.

^{۱۳} سخنان ایشان کثیف و متعفن است،

همچون بوی تعفنی که از قبر به مشام می رسد.

زبانشان را برای فریب دادن بکار می برند.

سخنانشان همچون نیش مار کشنده است.

^{۱۴} دهانشان پر از لعنت و تلخی است.

^{۱۵} پایهایشان برای خون ریختن شتابان است.

^{۱۶} به هر جا برسند، پریشانی و ویرانی بجا می گذارند.

^{۱۷} از آرامش الهی نصیبی ندارند.

^{۱۸} احترام و ترس خدا، جایی در قلبشان ندارد.

^{۱۹} بنابراین، خدا یهودیان را خیلی شدیدتر داوری و مجازات خواهد کرد، زیرا ایشان

می بایست بجای اینکه مرتکب چنین گناهی شوند، دستورات و احکام خدا را بجا

آورند. به همین علت هیچیک از ایشان نخواهد توانست برای بی‌ایمانی و گناهان خود، عذر و بهانه‌ای بیاورد. در حقیقت، تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق، مقصر و محکومند.

^{۲۰} پس ملاحظه می‌کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی‌تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می‌بریم که آن را زیر پا گذارده‌ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می‌کند تا گناهان خود را ببینیم.

راه تازه خدا برای نجات ما

^{۲۱} و ^{۲۲} اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تا بحال سعی می‌کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی‌گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی‌گناه» بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می‌توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات یابند. ^{۲۳} زیرا همه گناه کرده‌اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پرجلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده است. ^{۲۴} اما اکنون اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً «بی‌گناه» به حساب می‌آورد، چون عیسی مسیح به لطف خود بطور رایگان گناهان ما را برداشته است.

^{۲۵} خدا عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود و خشم و غضب خدا را از ما برگرداند. خدا خون مسیح و ایمان ما را وسیله‌ای ساخت برای نجات ما از غضب خود. به این ترتیب او عدالت خود را ظاهر نمود. اگر او کسانی را که در زمانهای گذشته گناه کرده بودند مجازات نکرد، این هم کاملاً عادلانه بود، زیرا او منتظر زمانی بود که مسیح بیاید و گناهان آنان را نیز پاک سازد. ^{۲۶} در زمان حاضر نیز خدا از همین راه گناهکاران را به حضور خود می‌پذیرد، زیرا عیسی مسیح گناهان ایشان را برداشته است.

اما آیا این بی‌انصافی نیست که خدا گناهکاران را بی‌گناه بشمارد؟ نه، زیرا خدا این کار را بر اساس ایمانشان به عیسی مسیح انجام می‌دهد، یعنی ایمان به کسی که با خون خود گناهانشان را پاک کرده است.

^{۲۷} آیا حالا دیگر کسی می‌تواند به خود ببالد و تصور کند که با پرهیزکاری و اعمال نیک خود، نجات یافته و مقبول خدا گشته است؟ هرگز! چرا؟ زیرا نجات، نه از کارهای نیک ما و انجام تشریفات مذهبی، بلکه از کارهایی که عیسی مسیح برای ما انجام داد و از ایمانی که ما به او داریم، بدست می‌آید. ^{۲۸} پس ما بوسیله ایمان به عیسی مسیح نجات می‌یابیم و در حضور خدا بی‌گناه به حساب می‌آییم، نه بسبب کارهای خوب خود یا انجام تشریفات مذهبی.

^{۲۹} آیا خدا فقط یهودیان را از این راه نجات می‌دهد؟ نه، غیریهودیان نیز می‌توانند از همین راه به حضور خدا راه یابند. ^{۳۰} زیرا در نظر خدا همه یکسانند. همه، چه یهودی و چه غیریهودی، بوسیله ایمان بی‌گناه محسوب می‌شوند. ^{۳۱} حال که بوسیله ایمان نجات می‌یابیم، آیا دیگر لازم نیست شریعت و احکام خدا را اطاعت نماییم؟ نه، درست برعکس است! زیرا فقط زمانی می‌توانیم احکام خدا را اطاعت کنیم که به عیسی مسیح ایمان آوریم.

ابراهیم و نجات او

حال بینیم خدا جدّ ما ابراهیم را بر چه اساس بی‌گناه بحساب آورد؛ آیا بخاطر اعمال نیک او و انجام تشریفات مذهبی بود، یا بخاطر ایمانش؟ اگر بخاطر اعمال نیکش بود، پس جا داشت که بخود ببالد. اما از دیدگاه خدا، ابراهیم هیچ علتی برای بالیدن نداشت. ^۳ زیرا کتاب آسمانی ما می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد، به همین دلیل خدا از خطایای او چشم پوشید و او را «بی‌گناه» به شمار آورد.» ^۴ اما آیا اعمال نیک ابراهیم در نجات او هیچگونه تأثیری نداشت؟ نه! به این دلیل که نجات و رستگاری، هدیه خداوند است. اگر کسی می‌توانست نجات و آمرزش گناهان خود را با انجام کارهای خوب بدست آورد، نجات هدیه نمی‌بود. اما نجات هدیه خداوند است و به کسانی عطا می‌شود که برای بدست آوردن آن، به اعمال نیک خود تکیه نمی‌کنند. بلی، خدا در صورتی گناهکاران را بی‌گناه به حساب می‌آورد که به عیسی مسیح ایمان بیاورند.

^۶ داود نبی در بیان همین حقیقت، شادی یک شخص گناهکار را توصیف می‌کند که بدون آنکه لایق باشد، خدا او را «بی‌گناه» اعلام می‌دارد. ^۷ حضرت داود می‌گوید: «خوشابه حال کسی که خدا گناهانش را بخشیده و از خطایای او چشم پوشیده باشد! ^۸ چه سعادت‌تی که خداوند دیگر گناهی علیه او بحساب نیاورد!»

^۹ حال ممکن است این سؤال مطرح شود که این سعادت نصیب چه کسانی می‌گردد؟ آیا فقط نصیب اشخاصی می‌شود که ضمن ایمان به عیسی مسیح، مطابق شریعت ختنه نیز می‌شوند؟ یا نصیب آنانی هم می‌شود که بدون ختنه، فقط به عیسی مسیح ایمان دارند؟ در مورد ابراهیم چطور بود؟ دیدیم که ابراهیم خشنودی خدا را از راه ایمان بدست آورد و خدا او را «بی‌گناه» دانست. اما آیا فقط از راه ایمان بود یا به دلیل ختنه نیز بود؟

^{۱۰} برای پاسخ به این سؤال، من از شما سؤال دیگری می‌کنم: چه موقع خدا ابراهیم را «بی‌گناه» به شمار آورد؟ پیش از انجام مراسم ختنه، یا بعد از آن؟ واقعیت اینست که پیش از آن بود. ^{۱۱} در واقع او زمانی ختنه شد که مدتها از ایمان آوردن او به خدا و دریافت وعده برکت الهی می‌گذشت. مراسم ختنه، نشانه و علامتی بود از این واقعیت که ابراهیم از قبل، یعنی قبل از ختنه شدن، به خدا ایمان داشته و خدا نیز او را از مدتها پیش نیک و بی‌گناه به شمار آورده است. در نتیجه ابراهیم از لحاظ روحانی، پدر کسانی است که بدون ختنه شدن و انجام سایر تشریفات شریعت، به خدا ایمان دارند و نجات یافته‌اند. پس ملاحظه می‌کنیم که خدا کسانی را که ختنه شده‌اند ولی به او ایمان می‌آورند نیز «بی‌گناه» و نیک بحساب می‌آورد. ^{۱۲} در ضمن، ابراهیم از لحاظ روحانی پدر کسانی است که ختنه شده‌اند، اما با توجه به زندگی ابراهیم، پی برده‌اند که نجات و لطف خدا، از راه ایمان بدست می‌آید، نه در اثر مراسم ختنه. زیرا ابراهیم تنها از راه ایمان توانست رضایت خدا را حاصل کند، پیش از آنکه ختنه شود. ^{۱۳} خدا به ابراهیم و به نسل او وعده داد که جهان را به ایشان ببخشد. واضح است که این وعده خدا به این دلیل نبود که ابراهیم تشریفات و احکام شریعت را اجرا می‌کرد، بلکه فقط بخاطر ایمان او بود، ایمان و اعتماد به اینکه خدا وعده‌های خود را وفا خواهد نمود. خدا نیز در برابر این ایمان، ابراهیم را «بی‌گناه» شناخت. ^{۱۴} پس اگر هنوز هم ادعا می‌کنید که برکات خدا نصیب کسانی می‌شود که احکام و تشریفات یهود را

نگاه می‌دارند، در واقع منظور تان اینست که وعده‌های خدا به صاحبان ایمان، بی‌اعتبار است و ایمان به خدا نیز کار احمقانه‌ای است.^{۱۵} اما حقیقت امر اینست که هرگاه بکوشیم نجات و سعادت الهی را از راه انجام احکام شریعت بدست آوریم، همیشه نتیجه‌اش این می‌شود که مورد خشم و غضب خدا قرار می‌گیریم؛ زیرا هیچگاه موفق نمی‌شویم آن احکام را کاملاً رعایت کنیم. ما تنها زمانی می‌توانیم قانون شکنی نکنیم که اصلاً قانونی وجود نداشته باشد.

^{۱۶} پس نتیجه می‌گیریم که خدا برکات خود را از راه ایمان به ما عطا می‌کند، همچون یک هدیه. حال، چه مراسم مذهبی را رعایت کنیم و چه نکنیم، اگر ایمانی مانند ایمان ابراهیم داشته باشیم، بی‌شک آن برکات نصیب ما نیز خواهد شد، چون از لحاظ ایمان، ابراهیم پدر همگی ماست.^{۱۷} کتاب آسمانی می‌فرماید: «خدا ابراهیم را پدر اقوام بسیاری ساخته است.» معنی این آیه اینست که خدا هرکسی را که مانند ابراهیم به خدا ایمان داشته باشد، از هر قومی نیز که باشد، به حضور خود می‌پذیرد. این قول خود خداست، خدایی که مرده‌ها را زنده می‌کند و به دستور او موجودات از نیستی به هستی می‌آیند.

^{۱۸} بنابراین، زمانی که خدا به ابراهیم فرمود که به او پسری خواهد بخشید و از نسل او اقوام بسیاری بوجود خواهند آمد، ابراهیم به وعده خدا ایمان آورد، اگر چه چنین امری عملاً محال بود.^{۱۹} زیرا در آن زمان ابراهیم صد سال داشت و همسرش سارا نود سال، و هیچیک قادر نبودند صاحب فرزند شوند. باوجود این، چون ایمان ابراهیم قوی بود، به وعده خدا شک نکرد.^{۲۰} بلی، او هیچگاه شک ننمود. او به خدا ایمان داشت و ایمانش روز بروز قوی‌تر می‌شد، و حتی قبل از اینکه خدا به وعده‌اش عمل کند، او را سپاس می‌گفت،^{۲۱} زیرا یقین داشت که خدا قادر است به همه وعده‌های خود عمل کند.^{۲۲} بخاطر همین ایمان، خدا او را بخشید و «بی‌گناه» به شمار آورد.

^{۲۳} اما اگر در کتاب آسمانی آمده که ابراهیم از راه ایمان مورد قبول خدا واقع شد، این امر فقط درباره ابراهیم نوشته نشده است.^{۲۴} بلکه برای این نوشته شد که ما اطمینان بیابیم که خدا ما را نیز از همان راه به حضور خود می‌پذیرد، یعنی از راه ایمان به وعده خدا، خدایی که خداوند ما عیسی را پس از مرگ زنده کرد.^{۲۵} عیسی مسیح

بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و دوباره زنده شد تا ما در پیشگاه خدا «بی‌گناه» بحساب آییم.

رابطه جدید با خدا

۵ پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی‌گناه محسوب شده‌ایم، از رابطه مسالمت‌آمیزی با خدا بهره‌مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جاننش را روی صلیب در راه ما فدا کرد. ^۲ بسبب همین ایمان است که عیسی مسیح ما را در چنین مقام و موقعیت عالی و ممتازی قرار داده است، مقام و موقعیتی که اکنون نیز در آن قرار داریم؛ و با اطمینان و شادی فراوان، مشتاق هستیم بصورتی در آییم که خدا برای ما در نظر گرفته است.

^۳ اما نه تنها از این بابت شادیم، بلکه وقتی با مشکلات زندگی و سختی‌های روزگار نیز روبرو می‌شویم، باز خوشحال هستیم زیرا می‌دانیم این سختی‌ها به خیر و صلاح ما هستند چون به ما می‌آموزند که صبر و تحمل داشته باشیم. ^۴ صبر و تحمل نیز باعث رشد و استحکام شخصیت ما می‌شود و به ما یاری می‌کند تا ایمانمان به خدا روزبروز قوی‌تر گردد. چنین ایمانی سرانجام امید ما را نیز نیرومند و پایدار می‌سازد، ^۵ تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش‌آمدی به خیر و صلاح ماست، زیرا می‌دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است. ما این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می‌کنیم، زیرا او روح‌القدس را به ما عطا فرموده تا دل‌های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد.

^۶ پس ملاحظه می‌کنید که در آن هنگام که ما درمانده و ذلیل بودیم، درست در زمان مناسب، مسیح آمد و در راه ما گناهکاران جان خود را فدا کرد! ^۷ حتی اگر ما انسانهایی خوب و پرهیزکار می‌بودیم، کمتر کسی ممکن بود حاضر شود جاننش را در راه ما فدا کند، هرچند ممکن است کسی پیدا شود که بخواهد در راه یک انسان خوب و نجیب جاننش را فدا کند. ^۸ اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود اینکه گناهکار بودیم، مسیح را فرستاد تا در راه ما فدا شود. ^۹ اگر آن زمان که گناهکار بودیم، مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد، حالا که خدا ما را بی‌گناه بحساب آورده، چه کارهای بزرگتری برای ما انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده خدا رهایی خواهد بخشید. ^{۱۰} هنگامی که دشمنان خدا بودیم، او بوسیله

مرگ فرزندش ما را با خود آشتی داد؛ پس اکنون که دوستان خدا شده‌ایم و عیسی مسیح هم در قلب ما زندگی می‌کند، چه برکات عالی و پرشکوهی به ما عطا خواهد کرد.

^{۱۱} حال، چقدر از رابطه عالی و جدیدی که با خدا داریم، شادیم! اینها همه از برکت وجود خداوند ما عیسی مسیح است که در راه گناهکاران، جان خود را فدا کرد تا ما را دوستان خدا سازد.

گناه حضرت آدم و بخشش عیسی مسیح

^{۱۲} وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند. ^{۱۳} (یقین داریم که گناه آدم تمام این مسایل را بوجود آورد، زیرا اگر چه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می‌کردند، اما خدا در آن زمان ایشان را بسبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم نمی‌کرد، چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود. ^{۱۴} باوجود این، آنها نیز همه مردند، اما نه به همان علتی که آدم مرد، زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده بودند.)

چه تفاوت بزرگی است میان آدم و مسیح موعود که می‌بایست ظهور کند! ^{۱۵} و چه فرق بزرگی است میان گناه آدم و بخشش خدا!

آدم با گناه خود، باعث مرگ عده بسیاری شد؛ اما عیسی مسیح از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان بسیاری گشت. ^{۱۶} یک گناه آدم موجب شد که عده بسیاری محکوم به مرگ گردند، درحالی که مسیح گناهان بسیاری را به رایگان پاک می‌کند و باعث می‌شود خدا ایشان را «بی‌گناه» بشناسد. ^{۱۷} در نتیجه گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیه خدا یعنی آمرزش و پاکی کامل از گناه را می‌پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسی مسیح می‌گردند. ^{۱۸} بلی، گناه آدم برای همه محکومیت به همراه آورد، ولی عمل شایسته و مقدسی که مسیح انجام داد، همه را از محکومیت رهایی می‌دهد و به ایشان زندگی می‌بخشد. ^{۱۹} آدم باعث شد که عده زیادی گناهکار

شوند، اما مسیح باعث شد که خدا بسیاری را «بی‌گناه» بحساب آورد، زیرا از خدا اطاعت کرد و بر روی صلیب کشته شد.

^{۲۰} پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد احکام خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اما هر چه بیشتر به طبیعت گناهکار خود پی می‌بریم، بیشتر لطف و بخشش بی‌پایان خدا را درک می‌کنیم.^{۲۱} قبلاً گناه بر انسان حکومت می‌کرد و باعث مرگ می‌شد، اما اکنون لطف و مهربانی خدا حکومت می‌کند تا نه تنها ما را در نظر او شایسته سازد، بلکه بوسیله خداوند ما عیسی مسیح، ما را به زندگی جاوید برساند.

شریک در مرگ و زندگی مسیح

۶ خوب، اکنون چه باید کرد؟ آیا باید به زندگی گذشته و گناه‌آلود خود ادامه دهیم تا خدا نیز لطف و بخشش بیشتری به ما نشان دهد؟

^{۲۲} هرگز! مگر نمی‌دانید که وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم، جزئی از وجود پاک او شدیم و با مرگ او، طبیعت گناه‌آلود ما نیز مرد؟ پس، حال، که قدرت گناه در ما نابود شده است، چگونه می‌توانیم باز به زندگی گناه‌آلود سابق خود ادامه دهیم؟^{۲۳} هنگامی که مسیح مرد، طبیعت کهنه ما هم که گناه را دوست می‌داشت، با او در آب تعمید دفن شد؛ و زمانی که خدای پدر با قدرت پر جلال خود، مسیح را به زندگی بازگرداند، ما نیز در آن زندگی تازه و عالی شریک شدیم.

بنابراین، ما جزئی از وجود مسیح شده‌ایم. بعبارت دیگر، هنگامی که مسیح بر روی صلیب مرد، در واقع ما نیز با او مردیم؛ و اکنون که او پس از مرگ زنده شده است، ما نیز در زندگی تازه او شریک هستیم و مانند او پس از مرگ زنده خواهیم شد.^{۲۴} آن خواسته‌های پیشین و ناپاک ما با مسیح بر روی صلیب می‌خکوب شد. آن قسمت از وجود ما که خواهان گناه بود، درهم شکسته شد، بطوری که بدن ما که قبلاً اسیر گناه بود، اکنون دیگر در چنگال گناه نیست و از اسارت و بردگی گناه آزاد است.^{۲۵} زیرا وقتی نسبت به گناه می‌میریم، از کشش و قدرت آن آزاد می‌شویم؛^{۲۶} و از آنجا که طبیعت کهنه و گناهکار ما با مسیح مرد، می‌دانیم که باید در زندگی جدید مسیح نیز شریک باشیم.

^۹ مسیح پس از مرگ زنده شد و دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ بر او تسلطی ندارد.
^{۱۰} مسیح مرد تا قدرت گناه را در هم بکوبد و اکنون تا ابد زنده است تا با خدا رابطه ابدی داشته باشد.^{۱۱} به همین ترتیب، شما هم طبیعت کهنه و گناهکار خود را برای گناه مرده بدانید، اما بوسیله عیسی مسیح خود را برای خدا زنده تصور کنید.
^{۱۲} خلاصه دیگر اجازه ندهید که گناه بر این بدن فانی شما حکمرانی کند و به هیچ وجه تسلیم خواهشهای گناه‌آلود نشوید.^{۱۳} اجازه ندهید هیچ عضوی از بدن شما وسیله‌ای باشد برای گناه کردن، بلکه خود را کاملاً به خدا بسپارید و سراسر وجود خود را به او تقدیم کنید؛ زیرا شما از مرگ به زندگی بازگشته‌اید و باید وسیله‌ای مفید در دست خداوند باشید تا هدفهای نیکوی او را تحقق بخشید.^{۱۴} پس گناه دیگر ارباب شما نباشد، زیرا اکنون دیگر در قید شریعت نیستید تا گناه شما را اسیر خود سازد بلکه به فیض و لطف خدا از قید آن آزاد شده‌اید.

بردگان پاکی و صداقت

^{۱۵} اما اگر نجات ما از راه اجرای شریعت و احکام خدا بدست نمی‌آید، بلکه خدا آن را بخاطر فیض و لطف خود به ما عطا می‌کند، آیا این بدان معناست که می‌توانیم باز هم گناه کنیم؟ هرگز!^{۱۶} مگر نمی‌دانید که اگر اختیار زندگی خود را بدست کسی بسپارید و مطیع او باشید، شما برده او خواهید بود، و او ارباب شما؟ شما می‌توانید گناه و مرگ را بعنوان ارباب انتخاب کنید، و یا اطاعت از خدا و زندگی جاوید را.^{۱۷} اما خدا را شکر که اگر چه در گذشته با میل خود اسیر و برده گناه بودید، اما اکنون با تمام وجود مطیع تعلیمی شده‌اید که خدا به شما سپرده است؛^{۱۸} و از بردگی گناه آزاد شده‌اید تا از این پس، برده پاکی و صداقت باشید.

^{۱۹} این مسایل را بطور ساده در قالب روابط ارباب و برده بیان می‌کنم تا آن را بهتر درک کنید: منظورم اینست که همانطور که در گذشته برده همه نوع گناه بودید، اکنون نیز به خدمت آن اموری کمر ببندید که راست و مقدس هستند.

^{۲۰} در آن روزها که برده گناه بودید، در قید و بند نیکی و راستی نبودید.^{۲۱} اما فایده چنین زندگی چه بود؟ خودتان اکنون از آن کارها شرمگین هستید، زیرا نتیجه‌ای جز هلاکت ابدی نداشتند.^{۲۲} اما الان شما از قدرت گناه آزاد شده‌اید و در خدمت خدا

هستید؛ بنابراین، او نیز شما را هر روز پاکتر و شایسته‌تر می‌سازد تا سرانجام زندگی جاوید نصیبتان گردد.^{۳۳} زیرا هر که گناه کند، تنها دستمزدی که خواهد یافت، مرگ است؛ اما هر که به خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورد، پاداش او از خدا زندگی جاوید است.

آزادی از شریعت

۷ ای برادران عزیز، شما که از اصول شریعت آگاهی دارید، یقیناً می‌دانید که وقتی شخصی می‌میرد، اصول شریعت دیگر بر او حاکم نیست.^{۳۲} بعنوان مثال زنی که ازدواج کرده، تا زمانی که شوهرش زنده است، شرعاً به شوهرش تعلق دارد و مجاز نیست با مرد دیگری ازدواج کند. اما اگر شوهرش فوت کند، آزاد است و می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند. آن زن در صورتی که پیش از فوت شوهر دست به چنین عملی بزند، زناکار خوانده می‌شود، اما پس از مرگ شوهرش، اشکالی در این کار وجود ندارد.

دومورد شما نیز همین امر صادق است، به این ترتیب که شریعت یهود در گذشته همچون شوهر و صاحب اختیار شما بود. اما شما همراه مسیح بر روی صلیب مردید، از اینرو از قید «ازدواج و تعلق به شریعت یهود» آزاد شده‌اید و شریعت دیگر بر شما تسلط و حکمرانی ندارد. سپس همانطور که مسیح زنده شد، شما هم زنده شدید و اکنون شخص جدیدی هستید. حال، می‌توان گفت که شما با آن کسی که از مردگان برخاست و زنده شد، «ازدواج کرده‌اید»، و از اینرو می‌توانید برای خدمت خدا مفید باشید و ثمر بیاورید. هنگامی که هنوز طبیعت کهنه شما بر وجودتان مسلط بود، شریعت و احکام دین یهود باعث می‌شد خواهشهای گناه‌آلود در شما بیدار شوند و ادارتان سازند تا اعمالی را انجام دهید که خدا نهی کرده است؛ به این ترتیب به سوی تباهی و مرگ می‌رفتید.^۱ اما اکنون دیگر وظیفه‌ای نسبت به احکام دین یهود ندارید، زیرا در همان زمان که اسیر آنها بودید، «مردید» و حال می‌توانید خدا را بطور حقیقی خدمت کنید، نه به روش سابق یعنی اطاعت از تعدادی امر و نهی، بلکه به روش نوین یعنی بوسیله روح القدس.

شریعت و گناه

^۷ پس آیا منظور اینست که شریعت بد است؟ هرگز! شریعت بد نیست، اما همین شریعت بود که بدی و گناهان مرا به من نشان داد. بعنوان مثال اگر در احکام و شریعت، گفته نشده بود که «نباید در قلب خود خواهشهای ناپاک داشته باشید»، من هیچگاه به وجود چنین خواهشهایی در خود پی نمی‌بردم.^۸ پس شریعت علیه خواهشهای ناپسند من بود؛ گناه نیز با استفاده از این امر، نادرستی این قبیل خواهشها و امیال را به یاد من می‌آورد و آنها را در من بیدار می‌کرد! در واقع انسان فقط زمانی گناه نمی‌کند که هیچ شریعت و حکمی وجود نداشته باشد.

^۹ به همین دلیل، من تا زمانی که از احکام شریعت آگاهی نداشتم، از زندگی آسوده‌ای برخوردار بودم. اما وقتی از این احکام آگاهی یافتم، متوجه شدم که آنها را زیر پا گذاشته‌ام، و به همین علت گناهکار و محکوم به مرگ هستم.^{۱۰} همان احکام نیکو که انتظار می‌رفت راه زندگی را به من نشان دهند، سبب محکومیت و مرگ من شدند.^{۱۱} گناه مرا فریب داد و با استفاده از احکام پاک الهی، مرا محکوم به مرگ کرد.^{۱۲} اما با وجود این مسایل، هیچ شکی نیست که شریعت، بخودی خود کاملاً خوب و مقدس و منصفانه است.

^{۱۳} اما چگونه چنین چیزی ممکن است؟ اگر شریعت موجب محکومیت و هلاکت من شد، چگونه می‌تواند خوب باشد؟ واقعیت اینست که شریعت نیکوست، اما این گناه بود که از وسیله‌ای نیکو سوءاستفاده کرد تا باعث محکومیت من گردد. پس ملاحظه می‌کنید که گناه چقدر فریبنده و مرگبار و سزاوار لعنت است که برای رسیدن به هدف خود یعنی نابودی من، از احکام و شریعت خوب خدا سوءاستفاده می‌کند.

کشمکش با گناه

^{۱۴} پس، شریعت خوب است و اشکالی در آن وجود ندارد. اشکال در من است که همچون یک برده به گناه فروخته شده‌ام.^{۱۵} بنابراین، من اختیار عمل خود را ندارم، زیرا هر چه می‌کوشم کار درست را انجام دهم نمی‌توانم، بلکه کاری را انجام می‌دهم که از آن متنفرم!^{۱۶} من بخوبی می‌دانم که آنچه می‌کنم، اشتباه است و وجدان ناراحت من نیز نشان می‌دهد که خوب بودن شریعت را تصدیق

می‌کنم.^{۱۷} اما کاری از دستم بر نمی‌آید، زیرا کننده این کارها من نیستم. این گناه درون من است که مرا وادار می‌کند مرتکب این اعمال زشت گردم، زیرا او از من قویتر است.

^{۱۸} اکنون دیگر برای من ثابت شده است که وجود من بخاطر این طبیعت نفسانی، از سر تا پا فاسد است. هر چه تلاش می‌کنم، نمی‌توانم خود را به انجام اعمال نیکو وادارم. می‌خواهم خوب باشم، اما نمی‌توانم.^{۱۹} می‌خواهم کار درست و خوب انجام دهم، اما قادر نیستم. سعی می‌کنم کار گناه‌آلودی انجام ندهم، اما بی‌اختیار گناه می‌کنم.^{۲۰} پس اگر کاری را انجام می‌دهم که نمی‌خواهم، واضح است که اشکال در کجاست: گناه هنوز مرا در چنگال خود اسیر نگاه داشته است.

^{۲۱} به نظر می‌رسد که در زندگی، این یک واقعیت است که هرگاه می‌خواهیم کار نیک انجام دهیم، بی‌اختیار کار بد از ما سر می‌زند.^{۲۲} البته طبیعت تازه‌ام مایل است خواست خدا را انجام دهد،^{۲۳} اما چیزی در عمق وجودم، در طبیعت نفسانی من هست که با فکرم در جنگ و جدال می‌باشد و در این مبارزه پیروز می‌شود و مرا برده گناه می‌سازد، گناهی که هنوز در درون من وجود دارد. در فکرم اراده می‌کنم که خدمتگزار از جان گذشته خدا باشم، اما می‌بینم که هنوز اسیر گناه هستم.

پس می‌بینید که من در چه حال زاری هستم: طبیعت جدید من به من امر می‌کند که اعمالم پاک و خوب باشد، اما آن طبیعت کهنه که هنوز در من است، بسوی گناه کشیده می‌شود. وای که در چه تنگنای وحشتناکی گرفتار شده‌ام! چه کسی می‌تواند مرا از چنگ این طبیعت مرگبار آزاد کند؟ خدا را شکر، این کار را خداوند، عیسی مسیح انجام می‌دهد.

زندگی پاک بوسیله روح خدا

بنابراین، چون به عیسی مسیح تعلق داریم، هیچ محکومیت و مجازاتی در انتظار ما نیست.^۲ زیرا قدرت حیات‌بخش روح‌القدس که به لطف مسیح به ما عطا شده، ما را از سلطه گناه و مرگ آزاد کرده است.^۳ در واقع، ما با دانستن احکام مذهبی از چنگال گناه نجات پیدا نکردیم، زیرا قادر به رعایت آنها نیستیم. به همین علت خدا طرح دیگری برای نجات ما تهیه دید. او فرزند خود عیسی مسیح را در بدنی مانند

بدن انسانی ما به این جهان فرستاد، با این تفاوت که بدن او مثل بدن ما تحت سلطه گناه نبود. او آمد و جانش را در راه آموزش گناهان ما قربانی کرد، تا ما را نیز از سلطه گناه آزاد سازد. ^۵ پس حال، قادریم احکام و دستورات خدا را اطاعت کنیم، زیرا عنان زندگی ما در دست روح خداست نه در دست طبیعت کهنه و گناه‌آلود ما.

^۶ آنانی که عنان زندگی خود را بدست طبیعت کهنه‌شان می‌دهند، چیزی جز ارضای شهوات خود نمی‌جویند. اما آنانی که تابع روح خدا هستند، اعمالی را بجا می‌آورند که خدا را خشنود می‌سازد. ^۷ اگر از روح خدا پیروی کنیم، حیات و آرامش نصیبمان می‌گردد؛ اما اگر از طبیعت کهنه خود پیروی کنیم، چیزی جز مرگ و هلاکت بدست نخواهیم آورد. ^۸ زیرا طبیعت گناه‌آلود ما، برضد خداست و هرگز از احکام خدا اطاعت نکرده و نخواهد کرد. ^۹ از اینرو، آنانی که عنان زندگی‌شان در دست طبیعت کهنه گناه‌آلودشان است و هنوز در پی خواهشهای ناپاک سابق خود هستند، نمی‌توانند خدا را راضی کنند.

^{۱۰} البته شما چنین نیستید. چنانچه روح خدا در وجود شما ساکن باشد، عنان زندگی‌تان در دست طبیعت تازه‌تان خواهد بود. به یاد داشته باشید که اگر روح مسیح در وجود کسی ساکن نباشد، او اصلاً مسیحی نیست. ^{۱۱} با اینحال، اگر چه مسیح در وجود شما زندگی می‌کند، اما سرانجام بدنتان در اثر عواقب گناه خواهد مرد، ولی روحتان زنده خواهد ماند، زیرا مسیح روحتان را آمرزیده است. ^{۱۲} و اگر روح خدایی که عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما باشد، همان خدا بدنهای فانی شما را نیز پس از مرگ بوسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد.

^{۱۳} پس، ای برادران عزیز، شما دیگر به هیچ وجه مجبور نیستید از امیال و خواهشهای طبیعت گناه‌آلود سابق خود پیروی کنید، ^{۱۴} زیرا در اینصورت گمراه و هلاک خواهید شد. اما اگر با قدرت روح خدا، این طبیعت کهنه را با اعمال ناپاکش نابود سازید، زنده خواهید ماند. ^{۱۵} زیرا تمام کسانی که از روح خدا پیروی می‌کنند، فرزندان خدا هستند.

^{۱۶} پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندانمانی که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را

پدر خود می‌خوانند.^{۱۶} زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می‌گوید که ما فرزندان خدا هستیم.^{۱۷} و اگر فرزندان خدا هستیم، وارثان او نیز خواهیم بود. بعبارت دیگر، خدا تمام آن جلال و شکوهی را که به فرزند خود عیسی مسیح خواهد داد، به ما نیز عطا خواهد فرمود. اما اگر می‌خواهیم در آینده در جلال او شریک شویم، باید اکنون در دردها و رنجهای او نیز شریک گردیم.

سختی‌های زمان حاضر هیچ است

^{۱۸} با وجود این، سختی‌هایی که در زمان حاضر متحمل می‌شویم، در مقابل جلال و شکوهی که در آینده خدا نصیبمان خواهد ساخت، هیچ است.^{۱۹} تمام آفرینش نیز بی‌صبرانه منتظر روزی است که خدا فرزندان خود را پس از مرگ زنده کند.^{۲۰} زیرا جهان برخلاف خواست خود، به دستور خدا محکوم به فنا شد. اما این امید هست که روزی جهان از قید فنا رها شود و در آزادی پرشکوهی که متعلق به فرزندان خداست، شریک گردد.^{۲۱} چون می‌دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند، همچون زنی که در حال زاییدن است، درد می‌کشند و در انتظار این واقعه بزرگ، روزشماری می‌کنند.^{۲۲} حتی ما مسیحیان، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه‌ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم. بلی، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندان او، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات، طبق وعده او، بدن تازه‌ای است که نه دچار بیماری می‌شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد.

^{۲۴} ما با امید، نجات یافته‌ایم؛ و امید یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم؛ زیرا اگر کسی چیزی را در اختیار داشته باشد، نیازی نیست که به امید آن باشد.^{۲۵} پس وقتی برای چیزی که هنوز رخ نداده، به خدا امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم.

^{۲۶} به این وسیله، یعنی بوسیله ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعاها ایمان یاری می‌دهد، زیرا ما حتی نمی‌دانیم چگونه و برای چه باید دعا کنیم. اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می‌کند که با کلمات قابل توصیف نیست؛^{۲۷} و خدا که از دل ما باخبر است، می‌داند که روح القدس چه

می‌گوید، زیرا آنچه که او بجای ما دعا می‌کند، طبق خواست خداست.^{۲۸} و ما می‌دانیم که خدا همه چیزها را برای خیریت کسانی بکار می‌برد که او را دوست دارند و فراخوانده شده‌اند تا خواست او را انجام دهند.

^{۲۹} زیرا خدا که از ابتدا می‌دانست چه کسانی به سوی او خواهند آمد، چنین اراده فرمود که اینان به شباهت فرزندش درآیند، تا مسیح فرزند ارشد باشد و آنان، برادران او.^{۳۰} پس هنگامی که ما را برگزید، ما را به نزد خود فراخواند؛ و چون به حضور او آمدیم، ما را «بی‌گناه» بحساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد!

محبت قابل اعتماد مسیح

^{۳۱} پس در مقابل تمام این چیزهای عالی، چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند بضد ما باشد؟^{۳۲} در جایی که خدا حتی فرزند خود را از ما دریغ نکرد بلکه او را فرستاد تا در راه همه ما قربانی شود، آیا همه چیزها را به ما نخواهد بخشید؟

^{۳۳} اکنون که خدا ما را برای خود برگزیده است، دیگر چه کسی جرأت خواهد کرد بر ما اتهامی وارد آورد؟ آیا خود او؟ هرگز! چون اوست که ما را بخشیده و ما را به حضور خود پذیرفته است.

^{۳۴} پس دیگر چه کسی می‌تواند ما را محکوم نماید؟ آیا مسیح؟ نه! چون اوست که در راه ما مرد و زنده شد و اکنون در بالاترین مقام، در کنار خدا نشسته است و برای ما شفاعت می‌کند.

^{۳۵} بنابراین، چه اتفاقی ممکن است سبب شود که مسیح دیگر ما را محبت نکند؟ زمانی که ناراحتی و مصیبتی پیش می‌آید، و یا سختی و جفایی روی می‌دهد، آیا علت آن اینست که مسیح دیگر ما را دوست ندارد؟ و یا زمانی که در گرسنگی و تنگدستی هستیم و یا با خطر و مرگ روبرو می‌شویم، آیا اینها نشان دهنده اینست که خدا ما را ترک گفته است؟

^{۳۶} هرگز! زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید که ما باید آماده باشیم تا بخاطر خدا هر آن با مرگ روبرو شویم. ما همچون گوسفندانی هستیم که برای سر بریدن می‌برند.^{۳۷} اما با

وجود تمام اینها، پیروزی کامل و قطعی همواره از آن ماست! چگونه؟ به یاری عیسی مسیح که آنقدر ما را محبت کرد که جانش را در راه ما فدا ساخت!^{۳۸} زیرا من یقین می‌دانم که هیچ چیز نمی‌تواند محبت مسیح را از ما باز دارد. نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان و نه قدرتهای جهنم، هیچیک قدرت چنین کاری را ندارند. حوادث امروز و نگرانیهای فردا نیز قادر نیستند خللی در این محبت وارد کنند.^{۳۹} در اوج آسمان و در عمق اقیانوسها، هیچ موجودی نمی‌تواند ما را از محبت خدا که در مرگ فداکارانه خداوند ما عیسی مسیح آشکار شده، محروم سازد.

قوم واقعی خدا

۹ ای برادران یهودی من! ای قوم من اسرائیل! چقدر مشتاقم که به عیسی مسیح ایمان آورید. من بخاطر شما بشدت اندوهگینم و دائماً دردی جانکاه در وجود خود احساس می‌کنم، حتی حاضرم خودم از نجات محروم شوم تا شما نجات یابید. عیسی مسیح شاهد است و روح القدس می‌داند که این را راست می‌گویم.^۴ خدا شما را مورد لطف خاص خود قرار داده است، اما شما هنوز هم مایل نیستید به او گوش دهید. او شما را بعنوان قوم مخصوص و برگزیده خود تعیین کرد؛ با ابر درخشنده جلال خود، شما را در بیابان هدایت نمود؛ و برکات خود را به شما وعده فرمود. او شریعت و احکام خود را به شما بخشید تا اراده او را برای زندگی خود بدانید؛ مراسم عبادت را نیز به شما آموخت تا او را پرستش کنید و وعده‌های عالی به شما عطا فرمود.^۵ مردان بزرگ خدا، اجداد شما بودند. مسیح نیز که اکنون بر همه چیز حاکم است، از لحاظ طبیعت بشری خود، مانند شما یهودی بود. خدا را تا ابد سپاس باد! پس آیا خدا در انجام وعده‌های خود به یهودیان کوتاهی کرده است؟ هرگز! زیرا این وعده‌ها به کسانی داده نشده که فقط از پدر و مادر یهودی متولد می‌شوند، بلکه به آنانی داده شده که براستی یهودی‌اند.^۶ کافی نیست که شخص از نسل ابراهیم باشد؛ همه آنانی که از نسل ابراهیم هستند، فرزندان حقیقی او نیستند. کتاب آسمانی نیز می‌فرماید که گرچه ابراهیم فرزندان دیگری هم داشت، اما وعده‌های خدا فقط به پسر او اسحاق و نسل او مربوط می‌شود.^۷ این نشان می‌دهد که تمام فرزندان ابراهیم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فقط آنانی فرزند خدا هستند که به آن وعده

نجات که به ابراهیم داد، ایمان بیاورند.^۹ زیرا خدا به ابراهیم فرموده بود: «سال آینده، به تو و به سارا پسری خواهم بخشید.»

^{۱۰-۱۳} سالها گذشت و این پسر بزرگ شد و با دختری به نام ربکا ازدواج کرد. ربکا دو قلو آبستن شد؛ اما پیش از آنکه بزاید، خدا به او فرمود پسری که اول بدنیا بیاید، خدمتگزار برادر دوقلوی خود خواهد شد. در کتاب آسمانی در این باره اینگونه آمده است: «من اراده کرده‌ام که یعقوب را برکت دهم و نه عیسو را.» خدا این را پیش از تولد این دو کودک فرمود، یعنی قبل از آنکه آنها عملی خوب یا بد انجام دهند. این امر ثابت می‌کند که کار خدا طبق تصمیمی بود که از ابتدا گرفته بود. بلی، خدا این تصمیم را بخاطر اعمال آن دو کودک اتخاذ نکرد، بلکه فقط به این علت که چنین اراده کرده بود.

^{۱۴} پس چه بگوییم؟ آیا خدا از روی بی‌انصافی عمل می‌کرد؟ هرگز! او یکبار به موسی فرمود: «اگر بخواهم با کسی مهربان باشم، با او مهربان خواهم بود؛ و اگر بخواهم بر کسی رحم کنم، بر او رحم خواهم کرد.»

^{۱۶} بنابراین، برکات خدا به خواهش یا کوشش مردم به آنان عطا نمی‌شود، بلکه به کسانی عطا می‌شود که خدای رحیم انتخاب کرده باشد.

^{۱۷} فرعون، پادشاه مصر، نمونه دیگری از این واقعیت است، خدا به او فرمود که سلطنت مصر را فقط به این دلیل به او بخشیده است تا قدرت عظیم خود را علیه او نشان دهد و تمام دنیا نام عظیم و الهی او را بشنوند.^{۱۸} پس می‌بینید که خدا بر بعضی رحم می‌کند و بعضی دیگر را نامطیع و سرسخت می‌سازد، فقط به این دلیل که چنین اراده فرموده است.^{۱۹} ممکن است بپرسید: «اگر چنین است، چرا خدا انسانها را برای اعمالشان سرزنش می‌کند؟ مگر ایشان می‌توانند کاری خارج از اراده و خواست او انجام دهند؟»

^{۲۰} اما سؤال اصلی این است که: «تو ای انسان، کیستی که از خدا ایراد می‌گیری؟» آیا صحیح است که مخلوق به خالق خود بگوید: «چرا مرا چنین ساختی؟»^{۲۱} آیا کوزه‌گر حق ندارد از یک خمیر، ظرفی زیبا برای مصارف عالی و ظرف دیگری برای مصارف عادی بسازد؟^{۲۲} آیا خدا حق ندارد خشم و قدرت خود را بر ضد آنانی که شایسته نابودی‌اند، نشان دهد، یعنی بر ضد آنانی که با صبر بسیار گناهانشان را تحمل

می‌کند؟^{۲۳} و آیا او حق ندارد کسان دیگری از جمله ما را، که از پیش برای مشاهده جلالش آماده ساخته بود، چه از یهود و چه از غیر یهود، دعوت کند تا عظمت جلال او را ببینیم؟

^{۲۵} پیشگویی «هوشع نبی» را بیاد آورید! خدا به زبان این نبی می‌فرماید که برای خود فرزندان دیگری اختیار خواهد کرد که از قوم او، بنی‌اسرائیل نیستند؛ و با اینکه آنان قبلاً مورد مهر او نبودند، اما از آن پس ایشان را محبت خواهد نمود؛^{۲۶} و بت‌پرستانی که خدا قبلاً درباره ایشان گفته بود که «شما قوم من نیستید»، اکنون آنان را با عنوان جدیدی می‌شناسد: «فرزندان خدای زنده!»

^{۲۷} «اشعیای نبی» درباره یهودیان می‌گوید که حتی اگر قوم اسرائیل به اندازه دانه‌های شن کنار دریا زیاد باشند، فقط تعداد کمی از آنان نجات خواهند یافت.^{۲۸} زیرا «خداوند سرعت و از روی انصاف، به اعمال مردم جهان رسیدگی کرده، ایشان را مجازات خواهد نمود.»

^{۲۹} همین نبی در جای دیگری از کتاب خود می‌گوید که اگر خداوند قادر متعال بر یهودیان ترحم نمی‌کرد، تمام ایشان هلاک می‌شدند، همانگونه که مردم شهرهای سدوم و عموره همگی هلاک شدند.

گمراهی قوم یهود

^{۳۰} بنابراین، چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ می‌توان چنین نتیجه گرفت که خدا فرصتی عالی در اختیار غیریهودیان قرار داده است؛ ایشان با اینکه در گذشته در جستجوی خدا نبودند، اما اکنون می‌توانند بوسیله ایمان، بی‌گناه بحساب آیند و مورد قبول خدا قرار گیرند.^{۳۱} اما یهودیان با اینکه سخت می‌کوشیدند تا با رعایت احکام و قوانین مذهبی، رضایت خدا را جلب کنند، موفق نشدند.^{۳۲} به چه دلیل؟ به این دلیل که به ایمان تکیه نمی‌کردند، بلکه می‌خواستند از راه رعایت احکام شریعت و انجام اعمال نیک، در نظر خدا پاک و بی‌گناه جلوه کنند. به همین سبب نیز به آن «سنگ بزرگ لغزش» برخورد نموده، افتادند.^{۳۳} خدا نیز در این باره در کتاب آسمانی به ایشان اخطار فرموده و گفته بود:

«بر سر راه قوم یهود، سنگی گذارده‌ام که بسیاری به آن برخوردند، خواهند لغزید. (منظور از سنگ در اینجا، عیسی مسیح است.) اما کسانی که به او ایمان آورند، هرگز پشیمان و شرمسار نخواهند شد.»

۱۰ برادران عزیز، آرزوی قلبی و دعای من برای یهودیان اینست که ایشان نجات یابند. ^۲ من می‌دانم که آنان در دل خود چه غیرت و احترامی برای خدا دارند، اما این غیرت و احترام از روی درک و شناخت صحیح نیست. ^۳ ایشان درک نمی‌کنند که مسیح جانش را فدا کرده تا آنان را در حضور خدا بی‌گناه سازد. در عوض می‌کوشند تا با رعایت احکام و رسوم شریعت، به آن درجه از پاکی برسند که در نظر خدا بی‌گناه جلوه کنند. اما این آن راهی نیست که خدا برای نجات انسانها در نظر گرفته است. ^۴ ایشان متوجه نیستند که عیسی مسیح همه کسانی را که به او ایمان آورند، در نظر خدا پاک و بی‌گناه می‌سازد، یعنی همان چیزی که ایشان سعی می‌کنند با رعایت شریعت و احکام بدست آورند. عیسی مسیح به همه این راه‌ها پایان بخشیده است.

نجات برای همه است

^۵ درباره بی‌گناه بحساب آمدن و آمرزش از راه شریعت، موسی فرمود که شخص در صورتی ممکن است بخشیده شود و بی‌گناه بحساب آید که بتواند کاملاً خوب باشد و در سراسر زندگی‌اش در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کند و حتی یکبار هم گناه نکند. ^۶ اما درباره نجاتی که بوسیله ایمان بدست می‌آید، گفته شده است: «نیازی نیست که به آسمان صعود کنید، و در آنجا مسیح را بیابید و او را فرود آورید تا به شما یاری دهد.» ^۷ و همچنین «نیازی نیست که به میان مردگان بروید تا مسیح را زنده کنید.» ^۸ زیرا نجاتی که از راه ایمان به مسیح بدست می‌آید، به آسانی در دسترس هر یک از ما قرار دارد و به اندازه قلب و زبان خودمان، به ما نزدیک است؛ ما نیز درباره همین نجات موعظه می‌کنیم. ^۹ در واقع، اگر انسان با زبان خود نزد دیگران اقرار کند که عیسی مسیح خداوند اوست و در قلب خود نیز ایمان داشته باشد که خدا او را پس از مرگ زنده کرد، نجات خواهد یافت. ^{۱۰} زیرا بوسیله ایمان قلبی است که شخص

رضایت خدا را حاصل می‌کند؛ و بعد هنگامی که در برابر دیگران ایمان خود را به زبان می‌آورد، نجات خود را تأیید می‌نماید.^{۱۱} کتاب آسمانی نیز می‌فرماید که هر که به مسیح ایمان داشته باشد، هرگز ناامید نخواهد شد.^{۱۲} در این زمینه، یهود و غیریهود یکسانند، زیرا همه دارای یک خداوند هستند، خداوندی که گنجینه‌های عظیم خود را در اختیار همه آنانی می‌گذارد که طالب و تشنه او هستند.^{۱۳} پس خداوند هرکس را که به او پناه ببرد، نجات خواهد داد.

^{۱۴} اما چگونه مردم به خداوند پناه آورند، درحالی‌که به او ایمان ندارند؛ و چگونه ایمان بیاورند، در حالی‌که راجع به او چیزی نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند، اگر کسی مژده انجیل را به ایشان اعلام نکند؟^{۱۵} و چگونه بروند و اعلام کنند، اگر کسی ایشان را نفرستد؟ کتاب آسمانی در این باره می‌فرماید: «چه خوش قدمند آنانی که مژده «آشتی با خدا» را اعلام می‌کنند، و درباره لطف و مهربانی خدا، خبرهای خوش می‌آورند!» به عبارت دیگر به کسانی که برای اعلام مژده انجیل می‌آیند، خوشامد می‌گوید!

^{۱۶} اما تمام کسانی که این مژده را می‌شنوند، آن را قبول نمی‌کنند. اشعیای نبی نیز می‌فرماید: «خداوند، چه کسی سخنان مرا باور کرد؟»^{۱۷} با اینحال، ایمان از شنیدن مژده انجیل بوجود می‌آید.

^{۱۸} اما یهودیان چه؟ آیا ایشان این مژده را نشنیده‌اند؟ البته که شنیده‌اند! هر جا که ایشان ساکن بوده‌اند، این مژده نیز به آنجا رسیده است. بلی، این خبر خوش در سراسر جهان موعظه شده است.^{۱۹} آیا آنان می‌دانند که اگر نجات خدا را نپذیرند، خدا دیگران را بجای ایشان نجات خواهد داد؟ بلی، می‌دانند! زیرا حتی در زمان موسی نیز خدا فرموده بود که نجات خود را به مردمان بت‌پرست و نادان عطا خواهد کرد تا بلکه قوم او به غیرت بیایند و از خواب غفلت بیدار شوند.^{۲۰} بعدها اشعیای با جسارت بیشتری گفت که آنانی که حتی در جستجوی خدا نبودند، او را یافتند، و خدا به کسانی که او را طلب نمی‌کردند خود را ظاهر ساخت.^{۲۱} با اینحال، آغوش خدا همواره به روی یهودیان باز است، اما ایشان سرسختی می‌کنند و حاضر به بازگشت نیستند.

رحمت خدا بر قوم اسرائیل

۱۱ حال، از شما می‌پرسم که آیا خدا قوم خود اسرائیل را رها کرده و ایشان را ترک گفته است؟ هرگز؛ به هیچ وجه چنین نیست! فراموش نکنید که من خود، یهودی و از نسل ابراهیم و از طایفه بنیامین هستم.

۱۲ نه، خدا قوم خود را که از ابتدا برگزیده بود، رد نکرده است. آیا به یاد دارید در کتاب آسمانی، در ماجرای مربوط به الیاس نبی، چه نوشته شده است؟ نوشته شده که او از قوم اسرائیل نزد خدا لب به شکایت گشود و گفت که ایشان انبیای خدا را کشته و قربانگاه‌های خدا را ویران کرده‌اند. او می‌گفت که در تمام آن سرزمین فقط خودش باقی مانده که خدا را می‌پرستد و می‌خواهند او را نیز از بین ببرند.

۱۳ آیا به خاطر دارید خدا به او چه جواب داد؟ خدا فرمود: «نه، تنها تو نیستی که باقی مانده‌ای! بغیر از تو هفت هزار نفر دیگر هم دارم که هنوز مرا می‌پرستند و در مقابل بتها زانو نزده‌اند!»

۱۴ امروز نیز همینطور است، به این ترتیب که تمام یهودیان خدا را فراموش نکرده‌اند. خدا در اثر رحمت خود، عده‌ای را از میان آنان برگزیده است تا نجات دهد. بنابراین، اگر این نجات، همانطور که گفتیم، در اثر رحمت خدا باشد، طبیعتاً دیگر به سبب اعمال نیک آنان نخواهد بود. زیرا اگر در اثر اعمال نیک آنان باشد، در اینصورت نجات، دیگر هدیه رایگان خدا نخواهد بود؛ چون اگر در قبال آن، کاری انجام شده باشد، دیگر رایگان بحساب نخواهد آمد.

۱۵ پس وضعیت را به این صورت می‌توان تشریح کرد که یهودیانی که در پی دریافت لطف الهی هستند، به مقصود خود نرسیده‌اند. البته عده‌ای از ایشان موفق شده‌اند، که آنها نیز جزو کسانی می‌باشند که خدا انتخاب کرده است؛ اما بقیه، قوه تشخیص خود را از دست داده‌اند. کتاب آسمانی ما نیز به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید که خدا ایشان را به خواب فرو برده است، و چشمان و گوشه‌ایشان را طوری بسته است که وقتی راجع به مسیح با ایشان سخن می‌گوییم، چیزی درک نمی‌کنند! این وضع تا به امروز نیز ادامه دارد.

۱۶ داود نبی نیز در این باره چنین گفته است: «همان بهتر که سفره رنگین و نعمتهای دیگرشان آنها را به اشتباه بیندازد تا تصور کنند که خدا از ایشان راضی است. همان

بہتر کہ این برکات، برای آنان همچون دام و تله باشد و هلاکشان کند، چون سزایشان همین است.^۱ همان بہتر کہ چشمانشان تار شود تا نتوانند بینند و پشتشان همواره زیر بار سنگین خم بماند.»

^{۱۱} آیا این بہ آن معناست کہ برای قوم خدا کہ منحرف شدہ و سقوط کردہ اند دیگر امید نیست؟ ہرگز! ہدف خدا این بود کہ ہدیہ نجات خود را بہ غیر یہودیان عطا کند تا از این راہ در یہودیان غیرتی بوجود آید و ایشان نیز طالب نجات گردند.^{۱۲} از آنجا کہ یہودیان ہدیہ نجات خدا را نپذیرفتند و لغزیدند، ہدیہ نجات و برکات غنی الہی در اختیار سایر مردم دنیا قرار گرفت. حال، اگر یہودیان ہم بہ مسیح ایمان بیاورند، چہ نعمت‌های بزرگتری نصیب مردم دنیا خواہد شد!

^{۱۳} اکنون روی سخنم با شما غیر یہودیان است. چنانکہ می‌دانید خدا مرا بعنوان رسول خود برای خدمت بہ غیر یہودیان انتخاب کردہ است. من بہ این موضوع افتخار می‌کنم و تا آنجا کہ بتوانم آن را بہ یہودیان یادآوری می‌نمایم،^{۱۴} تا بلکہ وادارشان کنم طالب همان برکتی باشند کہ شما غیر یہودیان دارید و از این راہ باعث نجات برخی از ایشان گردم.^{۱۵} ای کاش آنان نیز بہ مسیح ایمان آورند! وقتی خدا از ایشان روی گرداند، معنایش این بود کہ بہ بقیہ مردم جہان رو کرد تا نجات را بہ ایشان عطا کند. پس حال اگر یہودیان نیز بسوی مسیح باز گردند، چہ پر شکوہ و عالی خواہد شد! مانند این خواہد بود کہ مردگان بہ زندگی باز گردند!^{۱۶} از آنجا کہ ابراہیم و سایر انبیاء مردان خدا هستند، فرزندانشان نیز باید همانطور باشند. زیرا اگر ریشہ‌های درخت مقدسند، شاخہ‌ها نیز باید مقدس باشند.

^{۱۷} اما بعضی از شاخہ‌های این درخت کہ یہودیان باشند بریدہ شدند و بجای آنها، شاخہ‌های زیتون وحشی، یعنی شما غیر یہودیان پیوند زدہ شدید. پس اکنون شما در آن برکاتی کہ خدا بہ ابراہیم و فرزندانشان وعدہ داد شریک هستید، همانگونه کہ شاخہ‌های پیوند شدہ، در شیرہ و مواد غذایی درخت اصلی شریک می‌شوند.

^{۱۸} اما باید مواظب باشید کہ دچار غرور نشوید و بہ این نبالید کہ بجای شاخہ‌های بریدہ، قرار گرفته‌اید. فراموش نکنید کہ ارزش شما فقط بہ این است کہ جزئی از درخت هستید. بلی، شما فقط یک شاخہ‌اید، نہ ریشہ.

^{۱۹}ممکن است بگویید: «آن شاخه‌ها بریده شدند تا جایی برای من باز شود. پس خدا چقدر از من راضی است!»

^{۲۰}درست است. آن شاخه‌ها یعنی یهودیان به این دلیل قطع شدند که به خدا ایمان نداشتند؛ شما نیز فقط به این دلیل بجای آنها پیوند شدید که به خدا ایمان داشتید. پس مغرور نشوید، بلکه از خدا بترسید. ^{۲۱} زیرا اگر خدا بر شاخه‌های طبیعی درخت رحم نکرد، بر شما نیز رحم نخواهد فرمود.

^{۲۲} پس ببینید خدا چقدر مهربان و در عین حال سختگیر است. او نسبت به نافرمانان بسیار سختگیر است. اما اگر شما در ایمان و محبتی که به او دارید، ثابت بمانید، نسبت به شما مهربان خواهد بود. در غیراینصورت شما نیز بریده خواهید شد. ^{۲۳} از طرف دیگر، اگر یهودیان از بی‌ایمانی دست بکشند و بسوی خدا بازگردند، خدا ایشان را مجدداً به درخت خود پیوند خواهد زد. بلی، او قادر است این کار را انجام دهد. ^{۲۴} خدا شما غیریهودیان را که او را نمی‌شناختید و مانند شاخه‌های درخت زیتون وحشی بودید، چنین محبت کرده و برخلاف طبیعت، به درخت خوب خودش پیوند زده است. پس چقدر بیشتر، مایل است یهودیان را که شاخه‌های طبیعی این درخت هستند، به جای اولشان بازگرداند و در آنجا پیوند بزند!

رحمت خدا بر همه

^{۲۵} برادران عزیز، می‌خواهم شما از یک سرّ الهی آگاه باشید، تا دچار غرور نشوید. درست است که بعضی از یهودیان درحال حاضر برضد انجیل عمل می‌کنند؛ اما این حالت فقط تا زمانی ادامه خواهد یافت که آن عده از شما غیریهودیان که خدا از ابتدا در نظر داشته است، به مسیح ایمان بیاورید. ^{۲۶} پس از آن، تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت.

در همین مورد، در کتاب آسمانی چنین آمده است: «از شهر صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و یهودیان را از بی‌دینی رهایی خواهد داد. ^{۲۷} در آن زمان من طبق وعده خود گناهان ایشان را پاک خواهم نمود.»

^{۲۸} اکنون بسیاری از یهودیان دشمن انجیل مسیحند؛ این امر به نفع شما بوده است، زیرا سبب شد که خدا هدیه نجات خود را به شما عطا کند. اما بهرحال، یهودیان

بخاطر وعده‌هایی که خدا به ابراهیم و اسحاق و یعقوب داد، مورد توجه او هستند.^{۲۹} زیرا وقتی خدا کسی را برگزید و نعمتی به او بخشید، دیگر تصمیمش را تغییر نمی‌دهد. او هرگز وعده‌های خود را پس نمی‌گیرد.^{۳۰} زمانی شما نسبت به خدا یاغی بودید؛ اما وقتی یهودیان هدیه خدا را رد کردند، او همان هدیه را به شما عطا کرد.^{۳۱} در حال حاضر یهودیان یاغی‌اند؛ اما ایشان نیز روزی از همان مهربانی و رحمتی که خدا نسبت به شما دارد، برخوردار خواهند شد.^{۳۲} زیرا خدا همه را در گناه به حال خود رها کرده تا بتواند بر همه یکسان رحم کند.

^{۳۳}وه که چه خدای پر جلالی داریم! حکمت و دانش و ثروت او چه عظیم است! مشیت و راه‌های او فوق ادراک ماست!^{۳۴} کیست که بتواند فکر خداوند را درک کند؟ چه کسی آنقدر داناست که بتواند مشورتی به خدا بدهد و یا او را راهنمایی کند؟^{۳۵} چه کسی می‌تواند هدیه‌ای به او تقدیم نماید که قابل او باشد و از او انتظار عوض داشته باشد؟^{۳۶} هر چه هست از خداست؛ وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. ستایش بی‌پایان بر او باد! آمین.

رفتار ما در مقابل لطف خدا

۱۲ ای ایمانداران عزیز، در مقابل این لطف و رحمت خدا، التماس می‌کنم که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید، زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست. شایسته است او را این چنین عبادت و خدمت کنید.^۲ رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا را تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کنید.^۳ بعنوان پیام‌آور خدا، از جانب او شما را نصیحت می‌کنم که خود را بزرگتر از آنچه که هستید بحساب نیاورید، بلکه درباره خود درست قضاوت کنید و خود را با آن مقدار ایمانی بسنجید که خدا به شما عطا کرده است.^۴ درست همانطور که بدن انسان اعضای مختلف دارد، بدن مسیح یعنی کلیسا نیز اعضای گوناگون دارد؛ هر یک

از ما عضوی از بدن او هستیم و برای تکمیل آن لازم می‌باشیم و مسئولیت و وظیفه‌ای مشخص در آن داریم. اما در کل، همه متعلق به یکدیگریم و به هم نیاز داریم.

^۶خدا از روی لطف خود، به هر یک از ما نعمت و عطای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم. اگر خدا به شما نعمت نبوت کردن داده است، هرگاه مطمئنید خدا از طریق شما سخن می‌گوید، نبوت کنید، یعنی پیغامهای خدا را به کلیسا اعلام نمایید. ^۷اگر نعمت شما، خدمت کردن به دیگران است، این کار را بطرز شایسته انجام دهید. اگر نعمت تعلیم دادن دارید، خوب تعلیم بدهید. ^۸اگر واعظید، بکوشید که موعظه‌هایتان مفید و مؤثر باشند. اگر نعمتتان کمک به دیگران از دارایی‌تان می‌باشد، با سخاوت این کار را انجام دهید. اگر خدا توانایی مدیریت عطا کرده است، این مسئولیت را جدی بگیرید. آنانی که این عطا را دارند که افسردگان را تسلی دهند، بگذار با رغبت و روحیه مسیحی، این خدمت را انجام دهند.

^۹تظاهر به محبت نکنید، بلکه محبتتان صادقانه باشد. از هر بدی اجتناب کنید؛ به نیکویی بپیوندید. ^{۱۰}یکدیگر را همچون برادران مسیحی، بشدت دوست بدارید. هریک از شما دیگری را بیشتر از خود احترام کند. ^{۱۱}در خدمت به خداوند تنبلی و سستی به خود راه ندهید، بلکه با شور و شوق روحانی او را خدمت کنید.

^{۱۲}بسبب آنچه که خدا برای زندگی‌تان طرح‌ریزی کرده است، شاد باشید. زحمات را تحمل نمایید. همیشه دعا کنید. ^{۱۳}در رفع نیازهای برادران مسیحی خود، کوشا باشید. در خانه شما همیشه به روی میهمان باز باشد.

^{۱۴}اگر کسی شما را بسبب مسیحی بودن، مورد جفا و آزار قرار داد، او را نفرین نکنید، بلکه دعا کنید که خدا او را مورد لطف خود قرار دهد. ^{۱۵}اگر کسی شاد باشد، با او شادی کنید؛ و اگر کسی غمگین باشد، در غم او شریک شوید. ^{۱۶}با شادی با یکدیگر همکاری نمایید؛ هیچ کاری را برای خودنمایی نکنید؛ سعی نکنید فقط با اشخاص بزرگ و مهم معاشرت کنید، بلکه در جمع اشخاص عادی نیز خوش باشید. خود را از دیگران داناتر نشمارید.

^{۱۷} هرگز به عوض بدی، بدی نکنید. طوری رفتار کنید که همه بتوانند ببینند که شما در کارهایتان صادق و درستکار می‌باشید. ^{۱۸} با هیچکس جروبحث نکنید. تا آنجا که ممکن است با مردم در صلح و صفا بسر برید.

^{۱۹} برادران عزیز، هرگز از کسی انتقام نگیرید؛ انتقام خود را به خداوند واگذار کنید، چون در کتاب آسمانی نوشته شده که مجازات انسانها از آن اوست. ^{۲۰} پس، اگر دشمنت گرسنه باشد، به او غذا بده و اگر تشنه باشد، به او آب بده تا از کاری که کرده، شرمگین و پشیمان شود. ^{۲۱} اجازه ندهید بدی بر شما چیره شود، بلکه با نیکی کردن، بدی را مغلوب سازید.

وظیفه مسیحیان نسبت به دولت

۳۳ مطیع دولت و قوانین آن باشید، زیرا آن را خدا برقرار کرده است. در تمام نقاط جهان، همه دولتها را خدا بر سر قدرت آورده است. ^۲ پس هر که از قوانین کشور سرپیچی کند، در واقع از خدا ناطاعتی کرده است، و البته مجازات خواهد شد. ^۳ آنانی که اعمالشان درست است، از مأموران دولت هراسی ندارند، اما افراد خطاکار و نادرست همیشه از آنان می‌ترسند. پس اگر می‌خواهی در ترس و دلهره بسر نبری، قوانین را اطاعت کن و آسوده باش! ^۴ مأمور دولت از جانب خدا وظیفه دارد به تو کمک کند. اما اگر کار خلافی انجام دهی، از او بترس زیرا تو را مجازات خواهد کرد. خدا او را مقرر کرده تا کسانی را که خلاف می‌کنند مجازات کند. ^۵ پس به دو دلیل باید مطیع قانون باشی: اول برای اینکه مجازات نشوی؛ و دوم برای اینکه می‌دانی اطاعت، وظیفه توست.

^۶ به همین دو دلیل نیز باید مالیاتهایتان را بپردازید تا حقوق کارکنان دولت تأمین شود و بتوانند به انجام کار خدا، یعنی خدمت به شما ادامه دهند. ^۷ حق هر کس را به او ادا کنید: مالیاتها را از روی میل بپردازید؛ از افراد مافوق خود اطاعت نمایید؛ و به آنانی که سزاوار احترامند، احترام کنید.

وظیفه مسیحیان نسبت به مردم

^۸ تمام بدهی‌های خود را پردازید تا به کسی مدیون نباشید. فقط خود را مدیون بدانید که مردم را محبت کنید. هرگز از محبت نمودن باز نایستید زیرا با محبت کردن به دیگران، در واقع از احکام الهی اطاعت کرده‌اید و خواست خدا را بجا آورده‌اید. ^۹ اگر همسایه و هم‌نوع خود را به همان اندازه دوست بدارید که خود را دوست می‌دارید، هرگز راضی نخواهید شد که به او صدمه بزنید، یا فریض دهید، یا او را به قتل برسانید و یا مالش را بدزدید؛ و هرگز به زن و به اموال او چشم طمع نخواهید دوخت؛ خلاصه، هیچیک از کارهایی را که خدا در ده فرمان منع کرده است، انجام نخواهید داد. بنابراین، ده فرمان در این فرمان خلاصه می‌شود که «همسایه خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری.» ^{۱۰} بلی، محبت به هیچکس بدی نمی‌کند. پس اگر به انسانها محبت نمایید، مانند آنست که همه دستورات و احکام الهی را بجا آورده‌اید. خلاصه، تنها حکم و قانونی که لازم دارید، محبت است. ^{۱۱} مسئله دیگری که ما را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند، اینست که وقت بسرعت می‌گذرد و عمر ما به پایان می‌رسد. پس بیدار شوید زیرا اکنون وقت بازگشت خداوند نزدیکتر است از آن زمانی که ایمان آوردیم. ^{۱۲} و ^{۱۳} «شب» به پایان خود رسیده و «روز» نزدیک است. بنابراین، اعمال گناه‌آلود تاریکی را کنار گذارده، در نور خدا زندگی پاک و مقدسی را در پیش گیرید، زیرا این وظیفه ماست که در نور زندگی کنیم! آنچه می‌کنید با شایستگی باشد. از حضور در محافل عیاشی و نیز از مستی و زنا و شهوت‌رانی و دعوا و حسادت بپرهیزید. ^{۱۴} تمام وجودتان از آن مسیح باشد؛ بدنبال هوسهای جسم نروید.

وظیفه مسیحیان نسبت به یکدیگر

۱۴ هر ایمان‌داری را که مایل است به جمع شما بیوندد، به گرمی بپذیرید، حتی اگر ایمانش ضعیف باشد. اگر عقاید او درباره کارهای درست و نادرست، با عقاید شما متفاوت است، از او ایراد نگیرید. ^۱ بعنوان مثال، بر سر خوردن یا نخوردن گوشت حیوانی که برای بتها قربانی شده است، با او جر و بحث نکنید. ممکن است شما در خوردن چنین گوشتی ایرادی نبینید، اما دیگران چون ایمانشان ضعیف‌تر است، این عمل را اشتباه بدانند و ترجیح دهند اصلاً گوشت نخورند و برای خوراک از سبزیجات

استفاده کنند.^۳ پس آنانی که خوردن چنین گوشتی را بلامانع می‌دانند، آنانی را که نمی‌خورند تحقیر نکنند؛ و آنانی که نمی‌خورند، از کسانی که می‌خورند ایراد نگیرند، زیرا خدا ایشان را نیز به فرزندی پذیرفته است.^۴ آنان بندگان خدا هستند، نه بندگان شما؛ آنان فقط به خدا پاسخگو هستند، نه به شما. بنابراین، بگذارید خدا درستی یا نادرستی عقیده‌شان را به ایشان نشان دهد؛ و البته خدا قادر است کمکشان کند که راه صحیح را در پیش گیرند.

بعضی نیز تصور می‌کنند که مسیحیان باید روزهای مقدس یهودیان را به عنوان روزهای مخصوص عبادت خدا نگه دارند اما بعضی دیگر چنین کاری را بیهوده می‌دانند و معتقدند که همه روزها بطور یکسان از آن خدا هستند. در مورد اینگونه مسایل، هرکس باید برای خودش تصمیم بگیرد. آنانی که در روزهای مخصوصی خدا را عبادت می‌کنند، کار خوبی می‌کنند چون به این وسیله به خدا احترام می‌گذارند. آنانی هم که فرقی بین روزها قائل نمی‌شوند، کار خوبی می‌کنند چون کارشان برای خشنودی خداوند است. همین امر در مورد خوردن یا نخوردن گوشت قربانی تنها نیز صادق است. چه، کسانی که می‌خورند و چه، کسانی که نمی‌خورند، قصدشان خشنود ساختن خداوند است و برای کاری که می‌کنند، خدا را سپاس می‌گویند.^۵ بهر حال نباید فراموش کنیم که ما صاحب اختیار خود نیستیم و نمی‌توانیم هرطور که می‌خواهیم زندگی کنیم و یا هرطور که می‌خواهیم، بمیریم.^۶ چه در زندگی و چه در مرگ، ما از خداوند پیروی می‌کنیم و متعلق به او هستیم.^۷ مسیح نیز به همین منظور مرد و زنده شد تا بتواند هم در طول زندگی و هم در زمان مرگمان، خداوند و صاحب اختیار ما باشد.

بنابراین، شما به هیچ وجه حق ندارید از برادر خود ایراد بگیرید و یا با نظر تحقیر به او نگاه کنید. به یاد داشته باشید که هر یک از ما باید به تنهایی در مقابل تخت داوری خدا بایستیم تا او ما را داوری کند؛^۸ زیرا خداوند در کتاب آسمانی فرموده است: «به حیات خود قسم که تمام مردم در مقابل من زانو زده، به زبان خود مرا ستایش خواهند کرد.»^۹ بلی، هر یک از ما باید به خدا حساب پس بدهیم.

^{۱۳} پس بهتر است از یکدیگر ایراد نگیرید. در عوض بکوشید رفتارتان بگونه‌ای باشد که برادر مسیحی‌تان آن را گناه بحساب نیاورد، در غیراینصورت ممکن است ایمانش سست گردد.

^{۱۴} من خود، به سبب اختیاری که عیسای خداوند به من داده است، یقین دارم که خوردن گوشت قربانی بتها بخودی خود اشکالی ندارد. اما اگر کسی این کار را نادرست و گناه می‌پندارد، نباید چنین گوشتی را بخورد، زیرا در اینصورت مرتکب گناه شده است. ^{۱۵} همچنین اگر می‌بینید که آنچه می‌خورید موجب آزدگی وجدان برادرتان می‌شود، باید از این کار دست بکشید، در غیراینصورت بر اساس محبت رفتار نمی‌کنید. اجازه ندهید خوردن شما باعث از بین رفتن ایمان کسی شود که مسیح در راه او جانفش را فدا کرد. ^{۱۶} پس کاری نکنید که برای آن از شما ایراد بگیرند، حتی اگر آن کار بنظر خودتان درست باشد. ^{۱۷} چون ملکوت خدا که هدف زندگی ما مسیحیان است، خوردن و نوشیدن نیست بلکه بهره‌مند شدن از نیکی و آرامش و شادی است که روح‌القدس عطا می‌فرماید. ^{۱۸} اگر در خدمت به مسیح، این اصول را رعایت کنید، گذشته از اینکه خدا را خشنود می‌سازید، باعث آزدگی کسی نیز نمی‌شوید. ^{۱۹} پس هدف شما این باشد که با سایر ایمانداران در صلح و صفا بسر ببرید تا باعث تقویت ایمانشان گردید.

^{۲۰} برای یک تکه گوشت، کار خدا را خراب نکنید. باز تکرار می‌کنم، اشکالی در گوشت وجود ندارد، اما اگر خوردن آن باعث لغزش و سستی ایمان کسی شود، طبیعتاً این عمل گناه به حساب می‌آید. ^{۲۱} کار درست این است که از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب و یا هر کار دیگری که باعث آزدگی و لغزش دیگران می‌شود، پرهیز کنید. ^{۲۲} اگر معتقدید که کارتتان، حتی از نظر خدا اشکالی ندارد، آن را نزد خود انجام دهید؛ اما از انجام آن در حضور کسانی که از آن می‌رنجند اجتناب نمایید. خوشبختانه کسی که به هنگام انجام دادن آنچه که درست می‌پندارد، خود را محکوم و سرزنش نکند. ^{۲۳} اما کسی که وجدانش از آنچه می‌کند ناراحت است، به هیچ وجه نباید به آن کار دست بزند، چون در اینصورت مرتکب گناه شده است، زیرا وجدانش آن کار را گناه می‌داند. پس اگر قصد انجام کاری را دارید که آن را گناه می‌پندارید، آن را انجام ندهید، زیرا کاری که با وجدان ناراحت انجام شود، گناه است.

در فکر دیگران هم باشیم

۱۵ حتی اگر فکر می‌کنیم انجام چنین کارها از نظر خدا اشتباه نیست، باز باید رعایت حال کسانی را بکنیم که ممکن است کار ما را اشتباه تصور کنند. ما نباید فقط به فکر خشنودی خودمان باشیم، بلکه وظیفه داریم این زحمت را به خود بدهیم که شک‌ها و نگرانیهای دیگران را نیز در نظر بگیریم. پس بهتر است به فکر خشنودی دیگران هم باشیم و فقط به خود نیندیشیم. سعی کنیم کارهایمان تأثیر خوبی بر دیگران بگذارد تا ایمانشان به خداوند تقویت گردد. ^۳ مسیح نیز در پی خوشی و خشنودی خود نبود. کتاب آسمانی درباره او می‌فرماید: «او آمد تا اهانت‌های دشمنان خدا را تحمل کند.» ^۴ این مطالب از مدتها پیش در کتاب آسمانی نوشته شده تا به ما صبر و دلگرمی بیاموزد تا با اشتیاق در انتظار روزی باشیم که خدا گناه و مرگ را نابود کند.

^۵ باشد تا خدایی که عطا کننده صبر و دلگرمی است، به شما کمک کند تا با هم در صلح و صفای کامل زندگی کنید و نسبت به یکدیگر همان طرز فکری را داشته باشید که مسیح نسبت به انسانها داشت. ^۶ در آن صورت، همه ما خواهیم توانست یکدل و یک زبان خدا را که پدر خداوند ما عیسی مسیح است، پرستش و تمجید کنیم.

^۷ یکدیگر را به گرمی به جمع خود بپذیرید، همانطور که مسیح نیز شما را به گرمی پذیرفته است. آنگاه بزرگی خدا بر مردم آشکار خواهد شد و ایشان نیز خدا را ستایش خواهند کرد. ^۸ به یاد داشته باشید که عیسی مسیح آمد تا یهودیان را خدمت کند و به این ترتیب ثابت نماید که خدا امین است و به وعده‌های خود که به اجداد ایشان داده، عمل می‌کند. ^۹ همچنین به یاد داشته باشید که او آمد تا غریب‌دیان را هم نجات دهد تا ایشان نیز خدا را بخاطر رحم و شفقتی که بر آنان نموده است، شکر و ستایش کنند. در کتاب آسمانی زبور چنین آمده است: «در میان قومها تو را سپاس می‌گویم و به نام تو سرود می‌خوانم.»

^{۱۰} باز در جای دیگر می‌فرماید: «شما ای قومها، به همراه قوم او بنی اسرائیل، شادی کنید!»

^{۱۱} همچنین می‌گوید: «ای قومها، خداوند را ستایش کنید! همه او را ستایش کنند!»

^{۱۲} اشعیای نبی نیز می‌فرماید: «در خانواده "یسعی" (پدر داود نبی) وارثی خواهد بود که پادشاه قومها خواهد شد و امید ایشان تنها به او خواهد بود.»
^{۱۳} بنابراین، من برای شما قومهای غیریهودی دعا می‌کنم تا خدایی که سرچشمه همه امیدهاست، به شما برای ایمانی که به او دارید، آرامش و شادی عطا کند تا به یاری روح القدس، امیدتان روزبروز افزون شود.

پولس، رسول قومهای غیریهودی

^{۱۴} ای برادران، من هیچ تردیدی در مورد درک عمیق و رفتار نیک شما ندارم و مطمئنم این مطالب را آنقدر خوب می‌دانید که قادرید آنها را به دیگران هم تعلیم دهید.
^{۱۵} اما با وجود این، من با جسارت بر بعضی از این نکات تأکید کردم چون می‌دانستم که فقط یک یادآوری، کافی است؛ زیرا من به لطف خدا، فرستاده عیسی مسیح هستم برای خدمت به شما غیریهودیان، تا مژده انجیل را به شما رسانده، شما را همچون قربانی خوشبو به خدا تقدیم کنم، چون شما بوسیله روح القدس، مقدس و مورد پسند او شده‌اید.
^{۱۷} بنابراین، می‌توانم به تمام کارهایی که عیسی مسیح بوسیله من انجام می‌دهد، افتخار کنم.
^{۱۸} من جرأت نمی‌کنم درباره خدمت دیگران قضاوت کنم، اما می‌توانم در مورد خدمت خود قضاوت کرده، بگویم که مسیح مرا وسیله‌ای قرار داده برای هدایت غیریهودیان بسوی خدا. من با پیام انجیل، رفتاری شایسته، و معجزاتی که نشانه‌هایی از جانب خدا هستند، ایشان را بسوی خدا هدایت نمودم؛ و البته همه اینها به فیض و قدرت روح خدا بوده است. به این طریق بود که مژده انجیل را از «اورشلیم» گرفته تا «ایلیریوم» بطور کامل اعلام کردم.
^{۲۰} اما در تمام مدت آرزوی من این بوده است که به نقاط دیگر نیز رفته، کلام خدا را در جایهایی که نام مسیح هرگز شنیده نشده است، بشارت دهم. اما هرگز نخواستهم در نقاطی مژده انجیل را وعظ کنم که قبلاً شخص دیگری در آنجا عده‌ای را بسوی مسیح هدایت کرده، و کلیسایی تشکیل یافته است.
^{۲۱} در واقع من همان طرحی را دنبال می‌کنم که در کتاب آسمانی آمده است؛ زیرا اشعیای نبی گفته است کسانی که از او بی‌اطلاع بودند، خواهند دید و درک خواهند کرد.
^{۲۲} درحقیقت به همین دلیل در تمام این مدت نتوانستم به دیدن شما بیایم.

نقشه آینده پولس

^{۳۳} اما اکنون دیگر خدمت در اینجا خاتمه یافته و پس از سالها انتظار، آماده‌ام که به «روم» نزد شما بیایم. ^{۲۴} در نظر دارم به «اسپانیا» نیز سفر کنم. بنابراین، بر سر راهم به آنجا، توقف کوتاهی در روم خواهم کرد و پس از آنکه از دیدار شما اندکی سیر شدم، شما مرا بسوی اسپانیا بدرقه خواهید کرد.

^{۲۵} اما پیش از آنکه به نزد شما بیایم، نخست به اورشلیم خواهم رفت تا برای مسیحیان یهودی نژاد آنجا هدیه‌ای ببرم. ^{۲۶} زیرا همانطور که می‌دانید، مسیحیان «مقدونیه» و «یونان» برای مسیحیانی که در اورشلیم در شرایط دشوار زندگی می‌کنند، هدایایی جمع‌آوری کرده‌اند. ^{۲۷} آنان این کار را با شادی و رضایت انجام داده‌اند، چون احساس می‌کنند که مدیون مسیحیان اورشلیم هستند. می‌دانید چرا؟ به این علت که این مسیحیان غیریهودی، خبر نجات مسیح را از مسیحیان کلیسای اورشلیم شنیدند. بنابراین، چون این عطیه روحانی را از آنجا دریافت کرده‌اند، احساس می‌کنند که حداقل خدمتی که در عوض می‌توانند انجام دهند، اینست که به ایشان کمک مادی بکنند. ^{۲۸} به محض اینکه این هدیه را به مقصد برسانم و کار خیر ایشان را تمام کنم، بر سر راهم به اسپانیا، به دیدن شما خواهم آمد؛ ^{۲۹} و اطمینان دارم که وقتی بیایم، خداوند برکات بسیاری به من عطا خواهد کرد تا به شما برسانم.

^{۳۰} ای عزیزان من، التماس می‌کنم بخاطر عیسی مسیح و بخاطر محبتی که روح‌القدس در دل شما نسبت به من گذاشته است، با دعاهای خود مرا در مبارزه‌ام یاری دهید. ^{۳۱} دعا کنید که در اورشلیم از کسانی که به مسیح ایمان ندارند، در امان باشم. همچنین دعا کنید که خدمت من، مقبول مسیحیان آنجا واقع شود. ^{۳۲} پس از آن، خواهم توانست به خواست خدا، با قلبی شاد نزد شما بیایم تا یکدیگر را تقویت کنیم. ^{۳۳} دعایم این است که خدا که سرچشمه آرامش است، با همه شما باشد. آمین!

درودهای پولس به اعضای کلیسای روم

۱۶ یک بانوی مسیحی به نام «فیبی» از شهر «کنخریا» بزودی به دیدن شما خواهد آمد. او از خادمان جدی و بسیار فعال کلیسای کنخریا است. او را با احترامی

که شایستهٔ مقدسین است، در خداوند بپذیرید و به هر وسیله‌ای که می‌توانید به او کمک کنید، زیرا او به بسیاری، از جمله خود من، در زمان نیاز کمک کرده است.^۳ به «پرسکلا» و شوهرش «اکیلا» سلام برسانید. ایشان در امر خدمت به عیسی مسیح، همکاران من بوده‌اند.^۴ درحقیقت آنان جان خود را برای من به خطر انداختند و نه تنها من، بلکه تمام کلیساهای غیریهود از ایشان سپاسگزارند.

^۵خواهش می‌کنم سلامهای گرم مرا به مؤمنینی که برای عبادت در خانه ایشان گرد می‌آیند، برسانید. به دوست عزیزم «اپیتوس» سلام برسانید. او نخستین کسی بود که در ایالت آسیا به مسیح ایمان آورد.^۶ همچنین سلام مرا به «مریم» برسانید که برای کمک به ما بسیار زحمت کشید.^۷ به خویشاوندان من، «آندروونیکوس» و «یونیا» که با هم در زندان بودیم، سلام برسانید. ایشان پیش از من مسیحی شدند و رسولان احترام زیادی برای آنان قائلند.^۸ به مسیحی خوب و دوست عزیزم «آمیلیاس» سلام برسانید،^۹ همچنین به همکار ما در خدمت خداوند «اوربانوس» و دوستم «استاخیس».^{۱۰} به «آپلیس» که وفاداری خود را به مسیح ثابت کرده است و همینطور به کسانی که در خانه «آرستوبولس» کار می‌کنند، سلامهای گرم مرا برسانید.^{۱۱} به خویشاوند من «هیرودیون» و همچنین به مسیحیانی که در خانه «نرکسوس» هستند، سلام برسانید.^{۱۲} به خدمتگزاران خداوند، بانوان گرامی «تریفینا» و «تریفوسا» و نیز «پرسیس» عزیز که برای خداوند زحمت بسیار کشیده‌اند، سلام برسانید.^{۱۳} به «روفس»، آن مسیحی برگزیده، و به مادر او که در حق من نیز مادری کرده است، سلام مرا برسانید.^{۱۴} خواهش می‌کنم سلامهای مرا به «آسینکریتوس»، «فلیگون»، «هرماس»، «پتروباس»، «هرمیس»، و برادران دیگری که با ایشان هستند، برسانید.^{۱۵} همچنین به «فیلولوگوس»، «جولیا»، «نیریا» و خواهرش، و به «اولمپاس» و تمام مسیحیانی که با ایشان هستند، سلام مرا برسانید.^{۱۶} یکدیگر را با محبت خالص، روبوسی کنید. تمام کلیساهای اینجا به شما سلام می‌فرستند.

سخن آخر

^{۱۷}درخاتمه، ای عزیزان، استدعا دارم از آنانی که دو دستگی و تفرقه ایجاد می‌کنند، دوری کنید زیرا چنین اشخاص باعث سستی ایمان دیگران می‌باشند و می‌خواهند

عقایدی را درباره مسیح تعلیم دهند که با آنچه شما آموخته‌اید، مغایرت دارد.^{۱۸} چنین معلمان، خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی‌کنند، و فقط در پی نفع خودشان هستند. ایشان خوب سخنرانی می‌کنند و مردم ساده دل نیز اغلب فریب ایشان را می‌خورند.^{۱۹} اما همه می‌دانند که شما نسبت به انجیل وفادار و ثابت‌قدمید و از این موضوع بسیار مسرورم. اما آرزویم اینست که در مورد راستی همواره هشیار و آگاه باشید، و در مورد بدی و ناراستی، بی‌تجربه و ناآگاه.^{۲۰} خدای صلح و آرامش بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید! فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با شما باد!

^{۲۱} «تیموتائوس» همکار من، و «لوکیوس»، «یاسون» و «سوسیپاتروس» خویشاوندان من، به شما سلام می‌رسانند.^{۲۲} (من، «ترتیوس» برادر مسیحی شما و منشی پولس، که این نامه را از زبان او می‌نویسم، سلامهای گرم خود را برای شما می‌فرستم.)^{۲۳} «گایوس» نیز سلام می‌فرستد. من میهمان او هستم و مسیحیان در اینجا در خانه او گرد می‌آیند. اراستوس، خزانه‌دار شهر سلام می‌رساند، و همچنین برادر مسیحی ما «کوارتوس». ^{۲۴} فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باشد. آمین.

^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} شما را به خدا می‌سپارم، به خدایی که قادر است طبق فرمایش انجیل و بشارت من، شما را در ایمانتان به خداوند، قوی و ثابت قدم نگاه دارد. این انجیل، همان نقشه خداست برای نجات شما غیریهودیان، که در زمانهای گذشته، بصورت رازی مخفی بود اما اکنون طبق پیشگویی انبیاء و به فرمان خدای ابدی، این پیغام در همه جا اعلام می‌شود تا مردم در سراسر جهان به مسیح ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند. بر آن خدایی که دانای یکتاست، بوسیله عیسی مسیح تا ابد جلال باد! آمین.